

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

\* معمولاً تاریخ تمدن بشر به دو دوره قبل از تاریخ و دوره تاریخی تقسیم می‌کنند.

1 - تاریخ : 6000 تا 5000 سال قبل اتفاق افتاده

2 - قبل از تاریخ : 500.000 سال از عصر حجر (یا پالئولیتیک) شروع تا عصر مس و سنگ سه هزار سال ادامه داشته

\* نسبت این دو زمان مانند سه ساعت به یک دقیقه یا دقیق تر 96 درصد از تمام زمانی که بشر در این کره زندگی کرده.

\* تقسیم بندی دوران تاریخ از نگاه مورخین اروپایی

1. دوره تاریخ تمدن شرق شامل سومر اکد بابل مصر پارس هند چین

2. تاریخ تمدن یونان و روم از هزاره قبل از میلاد

3. دوره تاریخ تمدن جدید که از رنسانس آغاز می‌شود و هنوز ادامه دارد.

\* تقسیم بندی دوران تاریخی براساس تفاوت در جنس ابزار

1. عصر سنگ و مس : (غلبه ابزار سنگی ، ساخت وسایل دفاعی مثل تبر و خنجر و اشیاء زینتی سنجاق و ذرات طلا، دامپروری و اقتصاد چوپانی، اقتصاد کشاورزی، نظام طبایفه‌ای و زندگی در خانواده گسترده)

2. عصر مفرغ : اختراع چرخ اصلی ترین رکن صنعت بویژه سفالگری (غلبه ابزار فلزی، وسایل دفاعی با تزئین طلا و نقره، تجارت محصولات کشاورزی و صنایع دستی – «انقلاب کشاورزی» ایجاد امپراتورهای قدرتمند در بین‌النهرین و مصر، تشکیل حکومت اولیه در کرت به تقلید از مصر ، (کرت تحت تأثیر مصر)

3. عصر آهن : (استیلای نظام پدرسالاری، مقدمات تشکیل دولت برده‌دار آتن، تشکیل دولت اسپارت قرن 9)

تمدن‌های اژه‌ای

\* ایجاد نخستین دولت دموکرات و ابتدایی ترین تمدن بزرگ در اروپا بوسیله یونانیان باستان (جد تمدن‌های اروپایی) (این تمدن تحت تأثیر تمدن سکاها در آسیای صغیر و تمدن کارتاژ در شرق مدیترانه و مصر بود)

تمدن سکاها در آسیای صغیر - تمدن کارتاژ در شرق مدیترانه - تمدن مصر در جنوب مدیترانه

\* یونانی‌ها وارث تمدن کهن بین‌النهرین و مصر که از طریق تمدن اژه‌ای کرت به آنها رسیده بود، قرار گرفتند.

\* توسیدید در کتاب «تاریخ جنگ پلوپونز» تاریخ تمدن سرزمین‌های حوزه دریای اژه را آورده است.

\* توسیدید پلاژها، کارین‌ها و له‌ژها را اقوام اولیه ساکن در یونان می‌دانست.

\* هنری شلیمن آلمانی در کتاب «تروای کهن» ثابت کرد در جنوب شرقی اروپا تمدنی وجود داشته که با تمدنهای خاور نزدیک و بین‌النهرین و مصر همانند بوده است.

### تمدن کرت

\* جزیره کرت به مرکز جزایر دریای اژه و کانون تمدن اژه‌ای شهرت دارد.

\* برخی از منابع مرکز تمدن اژه‌ای را مجمع‌الجزایر سیکلاد در میان جزیره کرت و شبه‌جزیره یونان می‌دانند.

\* تمدن کرت نخستین پایگاه شکل‌گیری تمدن یونان است.

تقسیم‌بندی تاریخ تمدن یونان برابر سه عصر یاد شده :

1. عصر مس مطابق با دوران مینوی کهن یا مینوسی کهن مشهور به «هلاک کهن»

\* گستره سرزمین‌های دوره هلاک کهن : شامل کرت، پلوپونز، تروآ، یونان مرکزی و سواحل غربی آسیای صغیر

\* در این دوره (عصر مس) افراد در شکل نظام طایفه‌ای و پیرسالاری (ریش سفیدی) زندگی می‌کردند.

2 عصر مفرغ مطابق با دوران مینوی یا مینوسی میانه – تمدن می‌سنی مشهور به «تمدن اژه‌ای یا کرتی» این

دوره اوج تمدن کرتی است. (بدون در نظر گرفتن جزایر به تمدن هلاس شهرت داست)

### ویژگی‌های تمدن کرت

ویژگی‌های تمدن کرت	
بازرگانی و دریانوری	به شیوه فنیقی‌ها و بابلی‌ها
روابط بازرگانی	با مصری‌ها
خط هیروگلیف	مصری‌ها
نظام اجتماعی	برده‌داری
نظام سیاسی	دولت متمرکز
نظام اداری	بروکراسی برگرفته از مصری‌ها
نظام امپراتوری	متشکل از حکومت‌های کوچک

1. ظهور و رشد فلزکاری و سفالگری

2. اختراع چرخ

3. بازرگانی و دریانوردی به شیوه فنیقیه و بابل

4. روابط بازرگانی با مصر

5. یادگیری خط هیروگلیف از مصریان

6. نظام اجتماعی بر پایه برده‌داری

7. نظام سیاسی متکی بر دولت متمرکز

8. امپراتوری متشکل از حکومت‌های کوچک

9. نظام اداری آنها برگرفته از نظام بروکراسی مصر

\* مرکز استقرار امپراتور کرت شهر «کنوسوس» در شمال جزیره بود.

\* امپراتوران کرت به «کینیوس» شهرت داشتند.

\* کرت پل فرهنگی میان آسیا آفریقا و اروپا بود (سهم بزرگی در انتقال فرهنگ و تمدن شرق به یونان داشت)

\* کاخ «لابیرنت» برای برگزاری مراسم تئاتر و گاوبازی بود.

\* تاریخ جزیره کرت و می سن (منطقه وسیعی از شمال کرت) در واقع تاریخ ولادت تمدن اروپایی است.

\* هانری شلیمن در سال 1822 مقبره آگامنون در منطقه می سن کشف کرد.

\* کرتی‌ها صاحب یک نوع خطی بودند که مخلوطی از علامات هجایی و نشانه‌های از خط تصویری (هیروگلیف) بوده که هیچ باستان‌شناسی موفق به خواندن آن نشده است.

\* کرتی‌ها نخستین اقوامی بودند که درخت زیتون، بز و گاو را اهلی کردند و کشتی‌های بزرگ اقیانوس پیما به آب انداختند و نخستین امپراتور دریایی را در تاریخ ایجاد کردند.

\* تأسیس پایگاه‌های کرتی‌ها در مدیترانه شرقی نخستین شکل از سیاست استعماری بود. از این پایگاهها برای تجارت و دزدی دریایی استفاده می‌شد.

\* کرتی‌ها پایگاه دریایی دهانه نیل را به دلیل روابط نزدیکی که با مصر داشتند اجاره کردند.

\* تمدن کرت برابر با عصر مفرغ (عصر نوسنگی) و بر اساس نظام مدرسالاری بوده است.

\* رب‌النوع مادر به نام «داس» و پرستش ارواح نیاکان «آنی میسم» از اعتقادات کرتی‌هاست.

### نظام سیاسی - اجتماعی کرت

\* ارسطو در کتاب «سیاست» نظام سیاسی - اجتماعی کرت را نزدیک به نظام اسپارت می‌داند. و حتی معتقد است اسپارت قانون اساسی خود را از کرت تهیه کرده است.

\* لیکورگوس واضع قانون اساسی اسپارت بود.

\* حکومت کرت یک حکومت قانونی و بیشتر شایسته نوعی اولیگارشسی یا حکومت دودمانی بود.

\* شاه کرت کاهنی بود به نام «مینوس» به اراده زئوس (خدای نرینه) به صورت قرعه برای مدت 9 سال انتخاب می‌شد. یونانیان مینوس را به عنوان «داور خردمند و فسادناپذیری جهان ارواح» می‌نامیدند.

\* تمدن کرت به عنوان نخستین و اصلی‌ترین کانون تمدن حوزه اژه مشهور به تمدن مینوسی (منسوب به پادشاهان کرت) یا مینویی (مینوآ) و همچنین معروف به تمدن هلاذ میانه پس از دو قرن فروپاشید.

\* رشد سریع بازرگانی و ثروتمند شدن مردم و تجمل‌گرایی و دزدی دریایی از عوامل فروپاشی تمدن کرت بود.

\* اختلاط تمدن هلنی با بقایای تمدن کرتی دوره جدیدی از تمدن را به عنوان تمدن می‌سنی جدید برابر با عصر آهن بوجود آورد.

\* تمدن کرت در پی تهاجم آخه‌ای‌ها به سرزمین یونان از بین رفت و تمدن می‌سن بر یونان مسلط شد.

### تمدن می‌سن و آخه‌ای

\* تمدن می‌سن همان تمدن مینویی (مینوآ) ولی کهن‌تر از تمدن مینویی است زیرا ریشه در تمدن اژه‌ای دارد.

\* مهمترین بقایای ساختمانی که در جزیره کرت بیرون آمده بنای شهر «کنوسوس» به عنوان کاخ پادشاه مینوس شهرت دارد.

\* الگوی ساخت اکروپولیس‌ها از دژهایی بود که توسط قبایل هند و اروپایی بر فراز تپه‌ها ساخته شده بود.

\* از ازدواج دو گروه هند و اروپایی و قبایل کشاورز ساکن یونان تمدن «می‌سن» پیدا شد. مرحله امتزاج این دو تمدن در منظومه هومری آمده است. به این گروه ترکیب یافته «آخه‌ای» هم می‌گویند.

\* آخه‌ای‌ها بر اصلی‌ترین شهرهای اقوام محلی یعنی «مسن» یا «می‌سن» «تیرنت» و پایتخت پلوپونز «مسنی» مسلط شدند. ((پایتخت پلوپونز : مسنی))

\* با اشرافیت آخه‌ای‌ها کاخ‌های باشکوهی ساخته شده که به «سیکلویی» شهرت یافت. در کاخ‌های می‌سن هنر و به ویژه نقاشی‌های دیواری و معماری رشد چشمگیری کرده بود. ((کاخ‌های آخه‌ای‌ها : سیکلویی))

\* آخه‌ای‌ها کتابت را از کرت اخذ کردند.

### تمدن دوری‌ها (دورین‌ها)

\* تمدن آخه‌ای با قدرت‌گیری تمدن دوری‌ها به پایان رسید.

\* دلیل پیروزی دوری‌ها بر می‌سن : عدم وابستگی به اموال و املاک و بهره‌گیری از ادوات نظامی از جنس آهن

\* با هجوم و سلطه دوری‌ها، دوره جهل و تاریکی بر تاریخ یونان سیاهی افکند.

\* زبان یونانی با گویش‌های فراوانش عامل وحدت تمدن یونان بود. زبانی که یونانیان آن را در قرن دهم ق.م از الفبای فنیقی دریافت کردند. ((زبان یونانی عامل وحدت تمدن یونان)) ((زبان یونانی اقتباس از فنیقی‌ها))

### فرهنگ و تمدن یونان (تمدن هلنی)

\* با ظهور تمدن یونان، قاره اروپا از دوره قبل از تاریخ در هزاره اول ق.م قدم به دوره تاریخ گذاشت.

- \* یکی از تمدنهای فعال مدیترانه که در شکل‌گیری تمدن یونان تأثیر گذاشت **تمدن تجاری سامی - فنیقی** در شهرهای ساحلی سوریه بود. (**تمدن تجاری سامی - فنیقی واقع در ساحل سوریه**)
- \* فنیقی‌ها برای گسترش قلمرو بازرگانی خود دست به تأسیس کلونی‌ها (مستعمرات) در جنوب مدیترانه از جمله کارتاژ زدند و تا سیسیل و اسپانیا پیشروی کردند. آنها حتی تا سواحل بریتانیا جلو رفتند.
- \* یکی از راههای تأثیرگذاری فرهنگ یونان بر تمدن‌های همجوار رفتن نیروهای متخصص مثل **سربازان مزدور** و **علماء یونانی** به مصر سوریه و ایران بوده است.
- \* یونانیان از **مصری‌ها ریاضیات و پیکرتراشی** و از بقایای تمدن **بابلی نجوم و تقویم‌نگاری** یاد گرفتند.
- \* مهمترین عامل شکوفایی فرهنگ و تمدن یونانی جمع‌آوری **علوم پراکنده** از سرزمینهای دیگر بود.
- \* اشراف یونانی به **جنگ و فلسفه** علاقه داشتند و مردم متوسط به **اندیشه سیاسی و امور اجتماعی**
- \* شکوفایی فرهنگ و تمدن یونانی مرهون **شرایط جغرافیایی** این سرزمین بود. زیرا پراکندگی جغرافیایی و جمعیتی، موجب شکل‌گیری **شهر - دولتها** شد. (**شکوفایی فرهنگی و تمدن یونان مرهون شرایط جغرافیایی**)

### مراحل شکل‌گیری تمدن یونان

- \* **دوره اول (تمدن باستانی)** از **1100 تا 800 ق.م**: استقرار هلن‌ها بر یونان و به اطاعت درآوردن قبایل آخه‌ای - دوری و ایونی. در انتهای این دوره شهر - دولتها تأسیس می‌شوند.
- \* **دوره دوم (تمدن هومری)** از **800 تا 600 ق.م**: راه تبدیل شدن به قدرت بزرگ دریایی و توسعه متصرفات (کلنی‌های دریایی) از جمله در دهانه نیل و سیسیل
- \* **دوره سوم (تمدن کلاسیک)** از **600 تا 400 ق.م**: به **عصر زرین** تمدن یونانی و یا **دوره طلایی پریکلس** شهرت دارد. اوج قدرت دریایی، اقتصادی، نظامی و علمی. این دوره یونان تابع یک نظام سیاسی **دموکراتیک** بود.
- \* **دوره چهارم (تمدن هلنستیک)** از **400 مصادف با مرگ سقراط - پایان جنگ‌های پلوپونز و مقدمات تأسیس امپراتوری مقدونی شروع می‌شود.** در نیمه دوم قرن چهارم نیز شهر - دولتها استقلال خود را از دست دادند و در امپراتوری اسکندر مستحیل شدند. دو قرن بعد امپراتوری روم به عصر تمدن یونان خاتمه داد.
- \* بعد از این دوران **هلنستیک در ایران سوریه و مصر به حیات خود ادامه داد.**
- \* **نظام اجتماعی - اقتصادی بر پایه برده‌داری استوار بود و معیار تشخیص و قدرت برده بود نه پول و زمین**
- \* **جناح‌های سیاسی در دو حزب **دموکراسی برده‌دار** و **الیگارشی برده‌دار** مبارزه می‌کردند.**

- \* تمدن هلنستیک (تمدن دورگه یونانی - آسیایی): به دوره‌ای از قدرت‌گیری اسکندر تا پایان سلوکیان
- \* حزب دموکراسی برده‌دار که نماینده توده مردم یا «دموس» بود علیه الیگارشی برده‌دار که خاستگاه اشرافیت یا آریستوکراسی داشت به مبارزه پرداخت.
- \* اشرافیت الیگارشی برده‌دار در مبارزه علیه دموکراسی برده‌دار به پیروزی رسید و نظام سیاسی «سیتته» استقرار یافت. سیتته همان سیستمی است که در آن زمینه بلوغ فکری و ظهور علم و فلسفه فراهم آمد.
- \* نمونه دموکراسی برده‌دار آتن و نمونه سیستم الیگارشی برده‌دار اسپارت بود.
- \* دولت اسپارت ترکیبی از الیگارشی (سنا) سلطنت (دو شاه یا آرکاژت) و دموکراسی (افورها یا هیأت نظارت که 5 نفر بودند یعنی از هر 5 شهر - دولتی که اسپارت را تشکیل می‌داد) بود.
- \* در آتن «سیتته»ها به شیوه کاملاً دموکراتیک رشد کردند.
- ( دموس : توده مردم ) ( سیتته : نظام اشرافیت الیگارشی - سیستم بلوغ فکری، ظهور علم و فلسفه )
- \* در آتن بر خلاف اسپارت اقتصاد بر پایه «اقتصاد طبیعی» و یا «اقتصاد معیشتی» بود استخراج معادن و صنایع دستی و بازرگانی دریایی تحت حمایت ناوگان نظامی رشد کرده بود.
- \* سولون رهبر انقلاب اجتماعی بود و ضمن حفظ نظام طبقاتی دست به اصلاحات حقوقی به نفع برده‌ها زد.

## دوره اول تمدن باستانی یونان (1100 تا 800 ق.م)

- \* شهر کنوسوس پایتخت کرت
- \* گروهی از مهاجمان هندواروپایی پس از تسلط بر شبه جزیره یونان تمدن کرت را سرنگون و تمدن «می‌سن» را پی‌ریزی و با نظام قبیله‌ای زندگی را در یونان شروع کردند.
- \* با ازدواج گروههای تازه وارد (هند و اروپایی) با بقایای محلی سابق (افراد کرت) تمدن می‌سن شکل گرفت.
- \* دوری‌ها در واقع اجداد یونانیان روستایی بودند. ( تمدن می‌سن = هندو اروپایی‌ها + بومی سابق از کرت )
- \* ژنوس یک جمع و اتحادیه اقتصادی بود که بهره‌بردار دسته جمعی از زمین و چارپایان را به عهده داشت.
- \* «فراپاتر یارک» در رأس هر فراتری و از اتحاد فراتری «فیله» تشکیل می‌شد و در رأس هر فیله «فیلوبازیل» حکومت می‌کرد. ( تمدن یونانیان عصر پهلوانی : تمدن آخه‌ای )

در آغاز هزاره اول ق - م در برخی از سرزمینها یونان قاره‌ای و شبه‌جزیره‌ای به ویژه آتیک که ایونی‌ها در آن سکونت داشتند، تمدن و ملیت یونان باستان شکل گرفت. این تمدن و ملیت از اقوام ایونی - دوری - آخه‌ای و «اولی»<sup>۹</sup> تشکیل شد که هر یک با لهجه خاص خود سخن می‌گفتند و از نظر رشد و توسعه اقتصادی - فرهنگی و اخلاقی با یکدیگر تفاوت داشتند.

\* **اشرافیت ثروتمند و مقتدر (بازیل‌ها)** به عنوان طبقه ممتاز موقعیت برتری پیدا کردند.

\* در واقع تمدن می‌سن همان تمدنهای آخه‌ای و دوری است که به عمر تمدن پرآوازه کرتی پایان دادند.

تمدن آخه‌ای، یعنی تمدن یونانیان عصر پهلوانی، از تمدن پیش از خود، یعنی تمدن موکنایی، نازلتر و از تمدن پس از خود، یعنی تمدن دوری، والاتر بود. آخه‌ای‌ها بیشتر مردمی جنگجو و غارتگر بودند و مثل رمیان هزاره بعد فرهنگ را تحقیر می‌کردند و با کتابت سروکاری نداشتند. فقط ترانه‌ها و سرودهای نانوخته را ترنم می‌کردند. فرهنگ آخه‌ای به منزله گامی است به عقب، برزخی است بین تمدن درخشان اژه‌ای و فرهنگ عصر ظلمت، عصری که پس از غلبه قوم دوری حاکم بود. اصولاً در

## دوره دوم تمدن هومری

\* برخی از منابع باستان‌شناسی معتقدند که تمدن هومری در واقع سرآغاز تمدن یونانی است.

\* منظومه‌های **ایلیاد** و **اودیسه** اثر شاعر نابینای یونانی **هومر** است.

این جنگ در واقع بر سر تسلط و تصاحب بندرهای مهم هلسپونت<sup>۱۳</sup> (داردانل) درگرفت. بنابراین این جنگ مثل بسیاری از جنگهای تاریخی، ریشه در اقتصاد داشته است. اما به دلیل سلطه حس خیالپروری و روحیه احساسی و شاعرانه و علاقه شاعر و مردم به جلوه‌های حماسی جنگ تروا، بخش ایلیاد کلاً شامل حوادث جنگی است و قسمت اودیسه راجع به سرگردانیها و آوارگیهای اولیس یکی از قهرمانان، پس از پایان جنگ می‌باشد.

\* **ایلیاد**: حوادث جنگی، داستان دزدیدن هلن و جنگهای پس از آن **اودیسه**: سرگردانیها و آوارگیهای

اولیس یکی از قهرمانان پس از جنگ - بازگشت قهرمانان از جنگ تروا و زندگی روزانه زمان صلح

\* جنگ تروا جنگی میان سه رب‌النوع است. «اریس» خدای نزاع می‌کوشد ستیز میان سه رب‌النوع را

برانگیزد «هرا» زوجه زئوس - «آتنه» رب‌النوع پشتیبان هنر و علوم و «آفرودیت» الهه عشق

## ویژگیهای تمدن هومری

\* پایه اقتصاد در تمدن هومری بر دامداری و تولید صنایع دستی بود. آنها آهن را از فینیقی‌ها گرفتند.

\* خدای «هفستوس» برای شغل آهنگری در نظر گرفته شده بود. اهمیت و تأثیر آهن در زندگی مردم.



\* جامعه هومری بر پایه نظام طایفه‌ای استوار بود. (کارل مارکس : دولت مولود جنگ و ظهور طبقه است)

\* محتوای اساسی ایلید توصیف یونان پس از هجوم دوری‌ها تا آغاز قرن هشتم، یعنی یونان هومری است. اما اودیسه بازگشت قهرمانان را از جنگ تروآ و زندگی روزانهٔ زمان صلح نشان می‌دهد.

پیدایش مذهب در تمدن هومری

\* اعتقادات یونانیان در مورد خدایان : حرکات خورشید را به «آپولو» نسبت می‌دادند. توفان‌های دریا را کار «پوزه‌ایدون» می‌دانستند. خرد آدمی را از «آتنا» (خدای زن) الههٔ دانایی و پیروزی در جنگ را از «آرس» و کامیابی و عشق را مربوط به «آفرودیت» می‌دانستند.

\* مهاجمان و مهاجران هندواروپایی در ایجاد الوهیت موسوم به «سونوآکیسموس» یا الوهیت ترکیبی دخیل بودند.

\* تنها خدای تمدن مینوی «خدای مادر بزرگ» بوده که بر آسمان و زمین فرمان می‌رانده است. مینوسی‌ها گاونر را نیز می‌پرستیدند که احتمالاً متأثر از پرستش «آپیس» گاونر مصریان بوده است.

\* در یونان ورزش المپیک، تئاتر و ادبیات و معماری همگی رنگ دینی داشت.

\* یونان از زمان کرت مستقیماً تحت تأثیر ابعاد شخصیتی و رفتار خدایان شرقی به ویژه مصر قرار داشت. یکی دیگر از خصوصیات دین هومری، شرح و تبیین نظام «چندخدایی» و تعدد و تمرکز خدایان بوده است. خدایانی که تقریباً همگی در قلهٔ المپ مقیم بودند.

\* پرستشگاه المپ مهمترین و احتمالاً قدیمی‌ترین معبد بوده است.

\* آپولون : درخشان – فوبوس : خورشید – پیتون : نام مار عظیم‌الجثه‌ای که در غار پارناس نزدیک معبد دلف می‌زیست. محل قربانگاه آپولون دلف و به خود آپولون «دلفی» می‌گفتند. آرتیمیس : الههٔ ماه، هرمس خدای مسافرت ، دیونه الهه عشق و زیبایی

\* **خدایان ارشد یونانی سه برادر بودند به نام‌های :**

1. زئوس : با غرش‌های سهمگین خود گردآورندهٔ ابرها

2. پوزیدون : فرمانروای دریاها

3. آیدونوس : مالک امپراتوری دوزخ

داستان پرومته

\* بازیل‌ها : فرمانروایان زمینی – پرومته : از تیتان‌ها بود یعنی از خدایانی که مورد بی‌مهری قرار گرفته بود. اولیس : رنج‌های مردم عادی را به آرامش المپی تحسین می‌کردند. هرا در روم با نام ژوئون پرستش می‌شد.

\* هراگلس قهرمان محبوب توده‌ها بود که در خدمت اوربسته پادشاه سفاک و جبون بسر می‌برد.

## مذهب در یونان

\* ابن خلدون معتقد است دو نیروی اساسی بنیاد تمدن و تشکیل دولت را فراهم می‌آورد: **عصبیت قومی و قبیلگی و دیگر قدرت دین**

\* کاهنان در شرق ارباب مردم و در یونان نوکر مردم بودند.

\* مهمترین قوانینی که از طرف مجمع مردمی به تصویب می‌رسید روی سنگ نقش می‌شد و آن را در میان هیاکل آتنا در آکروپولیس حفظ می‌کردند.

\* مذهب در یونان در واقع دنباله همان اعتقادات دینی عصر هومری است. آنها معتقد بودند که از اولاد «یون» یکی از پسران آپولون هستند.

\* **سنن و آداب چندخدایی** اساس و وجه مشترک بسیاری از رسوم و عقاید یونانی را تشکیل می‌دهد.

\* یکی از مهمترین مراسم مذهبی که هر چهار سال یکبار برگزار می‌شد المپیک در شهر المپیا در غرب پلوپونز در مزار زئوس بود. این مسابقات بیشتر با اهداف مذهبی اجرا می‌شد. این رسم از ماندگارترین رسوم یونانیان تا دوازده قرن ادامه یافت.

## تأثیر تمدن‌های همجوار بر تمدن یونان

\* تجارت، جنگ مهمترین ابزار تأثیر فرهنگ - دین مهمترین رکن فرهنگ هر جامعه است.

\* کرتی‌ها دریافتند برای حفظ سیادت دریایی خود محتاج پایگاههای دریایی هستند به این سبب در مغرب مدیترانه نقاطی را مستعمره خود کردند. یکی از این مراکز مهم «کارتاژ» بود.

\* رقیب اصلی فنیقی‌ها در مدیترانه شرقی یونانیان و مصریان و بودند.

\* مهمترین خدمت فنیقی‌ها به تمدن یونان رساندن الفبای اختراعی سامی‌ها به یونان بود. به باور یونانی‌ها یک نفر فنیقی به نام «کادموس» دوباره هنر کتابت را به مردم شناساند. در نتیجه الفبای یونانی از الفبای فنیقی گرفته شده است.

\* در بین تمدنهای همجوار یونان مصریان بیشترین تأثیر را داشتند. نفوذ عمیق هنر مصری در رشد و تکامل هنر یونانی و خصوصاً پیکرتراشی به خوبی مشهود است.

\* یونانی‌ها اعتقاد بابلی‌ها مبنی بر وجود جهانی مکانیکی را با عقیده شکاکیت خود که خدایان تا چه اندازه و به چه کیفیت در امور آدمیان مداخله می‌کنند منطبق و سازگار یافتند.

\* بابلیان بنیانگذار نجوم و ستاره‌شناسی و هواشناسی بودند و تقویم را اختراع کردند.

\* نخستین کسوفی که از پیش حساب شد کسوفی است که طالس ملطی نخستین فیلسوف یونانی آن را در روز 28 ماه مه سال 585 ق.م پیش‌بینی کرد. طالس شاگرد و پیرو کلدانیان بود. این حادثه به جنگ شش ساله هووخ‌شتره و کروزوس پادشاه لیدییه خاتمه داد.

\* سه منطقه مهم: کرت، آسیای صغیر (هیتی) و شامات (فنیقی) سه مسیر اصلی مبادلات تجاری و نقل و انتقالات فرهنگی میان یونان و شرق بودند

\* تمدن‌هایی که دولتهای بزرگ کرتی - هیتی و فنیقی را به وجود آورد در عین تمایز فرهنگی، سه خصلت مشترک داشتند: تمدن شهری - اقتصاد تجاری - دریاسالاری

ارسطو می‌گوید: کارتاژیان نیز به داشتن حکومت خوب نامبردارند و از بیشتر جهات همانند حکومت اسپارت است. اصولاً حکومت‌های کرت - اسپارت و کارتاژ شبیه به یکدیگرند. خوبی حکومت در کارتاژ آن است که توده مردم همواره به نظام سیاسی آن وفادارند و نه تاکنون آشوب در خور ذکری انتظام اجتماعی را مختل کرده و نه شهریارى ستمگر بر آن فرمان رانده است. در کارتاژ شورایی مرکب از یکصد و چهار عضو همانند انجمن «افور» در اسپارت حکومت را اداره می‌کند. فقط این تفاوت را با هم دارند که در اسپارت اعضاء از میان همه گروه‌ها برگزیده می‌شوند، ولی در کارتاژ شرط انتخاب اعضاء، شایستگی و فضیلت است. در کارتاژ دو شاه در یک زمان سلطنت می‌کردند. اعضاء سنای کارتاژ نه بر پایه اصل سالخوردگی (مثل اسپارت)، بلکه براساس رأی مردم و با توجه به لیاقت و کاردانی افراد انتخاب می‌شوند.

\* مهمترین شهر هیتی مجموعه شهرهای تاریخی «تروآ» بود. کشف آهن توسط هیتی‌ها صورت گرفته است.

\* هیتی‌ها متمدن‌ترین و نیرومندترین اقوام هند و اروپایی باستانی بودند که از راه بسفور و هلسپونت (داردائل) به آسیای صغیر مهاجرت کردند و به عنوان طبقه جنگجو در آنجا مستقر شدند.

\* پایتخت هیتی‌ها بوغازکوی در شرق رودخانه هالیس نزدیک شهر آنکارا بود.

\* تمدن هیتی به سرعت و به طور ناگهانی به خامشی گرایید. برخی منابع معتقدند که سرعت زوال تمدن هیتی‌ها به این دلیل بود که فن استخراج آهن که مدت‌ها در دست هیتی‌ها پنهان بود، به دست رقبای آنان افتاد و این امر موجب کسادى تجارت آهن و ضعف هیتی‌ها شد.

\* مجموعه قوانین هیتی‌ها از قوانین بین‌النهرین بخصوص از قوانین حمورابی اقتباس شده بود.

پیدایش شهر - دولت‌ها

\* الفبای یونانی اقتباسی از الفبای فنیقی بود که بیست حرف داشت.

\* منظومه حماسی ایلیاد و اودیسه هومری که به عنوان شاخص ترین عامل شکل گیری تمدن یونانی به آن عشق می ورزیدند.

ب) تمدن هومری یا میراث عصر پهلوانی. دومین موضوعی که نقطه افتخار و اتحاد برای تمام پولیس ها بود، منظومه حماسی ایلیاد و اودیسه هومری بود که به عنوان شاخص ترین عامل شکل گیری تمدن یونانی به آن عشق می ورزیدند. هومر نقطه بدایت همبستگی فرهنگی و عامل اصلی هویت یونانی است. \*

\* پرستش خدایان مشترک **مهمترین حلقه پیوند** میان شهر – دولتهای یونانی و پرستش خدایان **مهمترین** وجه منحصر به فرد زندگی روزمره آنها بود.

دین و گرایش سیاسی خویش را انتخاب کند. یونانیان نخستین قوم هند و اروپایی بودند که فردگرایی، آزادی و حقوق اجتماعی شهروندان را با تبیین قانون، تضمین و برای اولین بار در تاریخ مفهوم «شهروند آزاد» را اختراع کردند.

«شهروند آزاد»

\* یونانیان در امر رقابت تنگاتنگ داشتند: یکی در امور سیاسی و دیگری در بازیهای المپیک

که در یونان اولاً دیانت رسمی حاکم نبود. ثانیاً همیشه فلسفه بر مذهب تقدم داشت. در حالی که در شرق و به ویژه در ایران باستان و ایران اسلامی همیشه دین مقدم بر فلسفه بوده هر چند از قرن سوم هـ - ق به بعد این دو در محافل اسلامی در تقابل و چالش با یکدیگر قرار گرفتند. اما همیشه غلبه عقل دینی بر عقل فلسفی وجود داشته و معرفت فلسفی همیشه درگیر با دو قدرت دینی و سیاسی بوده است و به همین دلیل در شرق کمتر زمینه بروز اندیشه علمی، فلسفی شکل گرفت.

سیر تحول دولت در یونان

\* مهمترین عاملی که موجب تغییرات سریع در ظهور اشکال دولت شد، بهبودی در شرایط اقتصادی یونان بود.

\* سیر تکامل دولت در آتن: ابتدا شاهان از قدرت بی رقیب برخوردار بودند اما رفته رفته اشراف زمیندار (آریستوکراسی یا الیگارش) صاحب قدرت شدند. و دولت سلطنتی استبدادی تأسیس کردند. اما بازرگانان به دلیل قدرت مالی و تأثیر روی گروه اجتماعی کم درآمد شکل جدیدی از دولت به نام جمهوری دموکراتیک برده دار را بوجود آوردند.

\* حکومت مرکب از چند نفر (آریستوکرات: اشراف زمیندار) یا اقلیت پولدار: حکومت الیگارش

۲ ارسطو در کتاب سوم از رساله سیاست، تحت عنوان طبقه‌بندی حکومتها آورده است. حکومتی که صلاح مردم را در نظر داشته باشد و به دست یک تن اعمال شود «پادشاهی» است. اگر یک تن مصالح خود را مقدم بر منافع مردم در نظر بگیرد، می‌شود «نظام سلطانی پدر سالارانه». اگر حکومت به دست گروهی از مردم اعمال شود «آریستوکراسی» نام دارد. اگر این گروه تعدادشان کمتر باشد و قدرت را میان خود تقسیم کنند می‌شود اولیگارشسی اما اگر حکومت به دست اکثریت مردم بیفتد می‌شود پولیتی یا جمهوری دموکراتیک. اما اگر اکثریت اشراف باشند نه مردم، می‌شود جمهوری آریستوکراتیک.

✱

✱ شورای «آرئوپاژ» عالی‌ترین نهاد قضایی در حکومت آتن بود.

✱ حکومتی که بازرگانان دست به تأسیس آن زدند به نام «تیرانی» که یک نفر به نام «جبار» با قدرت مطلقه و اختیارات تام حاکم می‌شد.

حکومت «جبار» به مفهوم اصیل و متداول استبداد و ستمگری نبود، بلکه هدف این بود که حاکم جدید صلح و امنیت را برقرار کند و دست به اصلاحات قضایی، سیاسی و اجتماعی بزند، خرابی‌ها را مرمت و برنامه زیباسازی شهرها را به اجرا گذارد. معروف‌ترین این جبارها، پی‌سیس تراتوس بود که از ۵۶۱ تا ۵۲۷ بر آتن حکومت می‌کرد. برخی از شهر – دولتها از نظام سلطنتی به پادشاهی، الیگارشسی و بالاخره حکومت تیرانی گذر نکردند، مثل اسپارت که پادشاهی محافظ کارانه و سخت‌گیرانه را برپایه تربیت‌نظامی و انضباط اجتماعی نگه داشت.

عصر حکومت جباران از ۶۵۰ تا ۵۰۰ ادامه یافت. این دوره در واقع مقارن بود با شروع عصر تصرفات و تشکیل کلنی‌های یونانی که منجر به دوران عظمت یونان شد. تا

✱ در حکومت سلطنتی پدرسالاری «تزه» یک نفر شاه بود قدرت را در دست داشت. که دو انجمن قضا که قانون را وضع و اجرا می‌کردند و انجمن یا مجلس شورا که مشاوران تزه در مسائل اجرایی بودند.

مردم آتن به دو گروه آزاد و برده و گروه آزاد به سه طبقه تقسیم می‌شدند: اویاتریدها<sup>۱</sup> (اشراف)، ژنومورها<sup>۲</sup> (خرده مالکان) و دمپورژها<sup>۳</sup> (صنعت‌کاران و پیشه‌وران) در قرن هشتم اشراف نظام سلطنتی فردی را سرنگون و نظام سلطنتی جمعی مرکب از نه آرخونت را تشکیل دادند که هر آرخونت مسئول یک حوزه کاری مثل اقتصاد، قضاوت و کهنانت بود.

در مرحله سوم اشرافیت سقوط کرد و بازرگانان جمهوری دموکراتیک برده‌داری تشکیل دادند. بازرگانان با بهره‌گیری از شخصیت‌هایی مثل سیلون، دراکون و سولون دست به اصلاحات اقتصادی، اجتماعی زدند، ولی چندان موفق نبودند.

**جنگ‌های یونان و ایران (جنگ‌های مدی)**

مسئله اعراب به قدری شاپور را درگیر کرده بود که تقریباً برای نخستین بار در تاریخ ایران به طوری جدی فرمان تأسیس نیروی دریایی از طرف وی صادر شد. شاپور موقتاً اعراب را با هزینه و صرف وقت زیاد منکوب کرد.

- \* غنیمت و غارت – بیگانه‌ترسی – خودنمایی و غرور – تلافی و غیره همه از انگیزه‌های اصلی جنگ به شمار می‌رود ولی پنهانی‌ترین انگیزه جنگ سرکوب رقبای داخلی و خارجی به عنوان عوامل تهدید قدرت است.
- \* جنگ تابع هر محرکی باشد ذووجهین است: یکی ویرانی و دیگری بیداری
- \* کمبوجیه برای لشکرکشی به مصر تصمیم گرفت از امکانات دریانوردی کلنی‌نشینهای یونانی آسیای صغیر و فنیقی‌ها استفاده کند. ولی یونانی‌ها به مصر قول همکاری دادند که امر موجب خشم کمبوجیه شد.
- \* تحریکات مردونیوس داماد داریوش که مردی جاه‌طلب بود و هی‌پپاس پناهنده یونانی که امید رسیدن به مقام جباری آتن را داشت در حمله داریوش و آغاز جنگهای ایران و یونان (جنگهای مدی) بسیار مؤثر بود.
- \* فنیقی‌ها بزرگترین رقیب یونان در بازرگانی دریایی بودند که از زمان سقوط کرت بر دریای اژه مسلط بودند.  
اما در آسیای صغیر، وضع یونانیان زمانی تغییر کرد که شهرهای ایونی مجبور شدند سر به اطاعت دولت نوظهور و قدرتمند لیدی (لودیه) بگذارند و به پادشاه آن خراج بپردازند. لیدیه از طریق اخذ مالیات از عبور کالاهای تجاری، به ثروتمندترین دولت زمان خود، تبدیل شد. در اواسط قرن ششم قلمرو کرزوس (پادشاه لیدیه) به تصرف کوروش درآمد. کلنی‌نشینهای یونانی آسیای صغیر زیر فرمان ساتراپ‌های ایران، خراج و مالیات به دولت هخامنشی پرداخت می‌کردند.
- \* حمله داریوش به یونان در تاریخ جهان از اهمیت و اعتبار فراوانی برخوردار است، زیرا تا حدود زیادی در مسیر تاریخ اثر گذاشت. ریشه‌های بروز این جنگ را بایستی در پیچیدگی‌های سیاسی و خصوصاً بازرگانی شهر-دولتهای آسیای صغیر به عنوان مراکز عمده تجارت جهان آن روز جستجو کرد.
- \* «ناکزوس» بزرگترین و ثروتمندترین جزیره سیکلادها هدف ایرانیان در حمله به یونان قاره‌ای بود.
- \* شورش آریستاگر مقدمه جنگ اول ایران و یونان شد.
- \* حزب سیاسی «حزب دریایی» به‌رهبی تیمستوکل از طبقه ثروتمند شهری در آتن تشکیل شد. حزب سیاسی دیگری که رئیس آن «میلیتاد» نجیب‌زاده ثروتمند بود تصمیم داشت علیه اشغالگران پارسی مبارزه کند.

بدین‌سان است که در آتن بازرگانان و صنعتکاران به رهبری تمیستوکل و مالکان اراضی به رهبری میلیتیاد و نیز در اسپارت اشرافیت حاکم آن دیار، مصمم بودند که به حملهٔ پارسها پاسخ دهند. مردم آتن، در عین حال، هجوم پارسها را به مثابهٔ یک مصیبت بزرگ و مرگ دموکراسی تلقی می‌کردند. از این رو در نظر آتنیان این یک جنگ ملی بود که به خاطر نجات کشور و فرهنگ آن انجام می‌گرفت.<sup>۲</sup> به این ترتیب یک خیزش بزرگ میهنی، قشرهای گوناگون مردم آتن را برانگیخت.

### جنگ ماراتن دومین لشکرکشی داریوش به یونان (490 ق.م)

- \* پس از کشته شدن سفرای داریوش توسط آتن و اسپارت لشکر او به رهبری (یک مادی) به نام «داتیس» از راه دریا و از مسیر جزایر سیکلاد به آتن حمله کرد. تا ارتباط یونان را با خاک اروپا قطع کند.
- \* فرمانده لشکر پیاده نظام پارسی «ارتافرن» بود و هی‌پپاس تبعیدی آتن، مقام مشاور و راهنمای او بود.
- \* فرماندهی سپاه یونان در جنگ ماراتن با آریستید و میلیتیاد رؤسای دو حزب بود.
- \* جنگ ماراتن با پیروزی یونانیان در خشکی و دریا خاتمه یافت. میلیتیاد قهرمان ملی یونان کشته شد و تمیستوکل رئیس حزب دریایی در صدد افزایش قدرت خود برآمد.

### لشکرکشی خشایارشا به یونان (480 ق.م)

- \* خشایارشا در حمل به یونان محل استقرار و تجمع نیروهای خود را «کاپادوکیه» آسیای صغیر انتخاب کرد.
- \* یکی از دلایل ناکامی داریوش و به ویژه خشایارشا در جنگ با یونانیان تنوع و تعدد افراد با ناهماهنگی‌های فرهنگی و عدم رغبت به جنگ و پیروزی بود.
- \* در آستانه لشکرکشی خشایار به یونان، در سال 481 نمایندگان دولت‌های آتن، اسپارت، اژین و سایر دولت‌های متحد در معبد پوزه‌ایدون واقع در «ایستم» اجتماعی تشکیل دادند و در آن کنفدراسیون سوگند وفاداری یاد کردند. سی دولت به این کنفدراسیون پیوست. اسپارت فرماندهی کل قوا را به عهده گرفت.
- \* فقدان وحدت سیاسی و جنگ میان شهرها نقطه ضعف مهم یونانی‌ها در جنگ با ایران بود.
- \* در جنگ ایران اسپارت به دلیل قدرت نظامی در دریا و خشکی فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت.
- \* در حمله خشایار به یونان او در نبرد خشکی پیروز شد و آتن را متصرف شد اما نیروی دریایی آتن در دماغه «آرتمی‌زیوم» ایرانیان را شکست داد و سپس در سال‌های بعد به فرماندهی تمیستوکل جنگ جدیدی رخ داد که ایرانیان شکست خوردند. دلیل آن کشتی‌های کوچک و سبک یونانیان که قادر به مانور بودند.
- \* تمیستوکل طی نبرد دریایی در جزیرهٔ سالامین سرنوشت جنگ را به نفع یونانیان رقم زد.

\* مردونیوس در بهار سال بعد (479 ق.م) بار دیگر به آتن حمله کرد و به دست سربازان یونانی به فرماندهی پوزانیوس در پلاته شکست خورد و کشته شد. سربازان او نیز به آسیای صغیر برگشتند.

\* در سال 479 در نبرد دریایی دماغه میکال لئوتی خیداس پادشاه اسپارت و کزان تی پوس (پدر پریکلس) پادشاه آتن ایرانیان را شکست دادند. آنها جزایر ساموس، لسبوس و فیووتاسوس را از دست دادند.

\* سال 478 میان پولیس‌های یونانی و جزایر آسیای صغیر تحت رهبری آتن اتحادی به نام «سیماخی دلس» منعقد شد.

\* **قرارداد صلح کیمون**: بعد از شکست مصریان و ناوگان کمکی یونانی در زمان اردشیر درازدست بین ایران و یونان منعقد شد. برخی منابع آن را به نام «سیمون» فرمانده یونانی قبرس فرستاده آن به دربار اردشیر یکی می‌دانند

\* **شرایط قرارداد صلح کیمون به شرح زیر بود:**

1. جزیره قبرس که متعلق به آتن بود، به پارسی‌ها واگذار شد.

2. آتنی‌ها متعهد شدند که با اسلحه وارد متصرفات پارسی در آسیای صغیر نشوند.

3. اردشیر به شهر-دولتهای آسیای صغیر خودمختاری دهد.

\* در دوره اردشیر درازدست پناهندگی تمیستوکل به دربار او اتفاق افتاد. تمیستوکل فرماندهی بود که باعث شکست ایران در جنگ ترموپیل شد. اردشیر او را با احترام پذیرفت و حکومت چند شهر-دولت در آسیای صغیر را به او داد.

پیروزی‌های پی‌درپی یونانیان بخش وسیعی از شهرهای ثروتمند آسیای صغیر - دریای اژه و دریای سیاه را از دست ایرانیان خارج کرد. بازرگانی پرسود شرق مدیترانه به دست آتنی‌ها افتاد و موجب شکوفایی اقتصادی، وحدت سیاسی و رونق فرهنگی آتن در نیمه دوم قرن پنجم شد. این دوره که اصطلاحاً به «عصر طلایی پریکلس» شهرت دارد. اما این که این جنگ‌های طولانی و پرهزینه چه نتایج مثبت و منفی برای ما و یونان داشت، خالی از اهمیت نیست.

(عصر طلایی پریکلس)

اتحادیه دلس در درجه اول هدف و انتظارش توسعه شبکه بازرگانی دریایی برای همه اعضا، منتهی زیرنظر آتن بود (این اتحادیه بعداً به آتن منتقل شد). شبکه بازرگانی نیازمند امنیت بود، بنابراین آتن از یک سو دست به تأسیس ناوگان دریایی نظامی برای جلوگیری از حمله احتمالی ایران زد و از سوی دیگر اقدام به استقرار دموکراسی برای تأمین امنیت سیاسی کرد!

(اتحادیه دلس)



## جنگ‌های پلوپونز (431 تا 404 ق.م)

\* پیروزی یونان بر ایران با همت اتحادیه دلوس بود. امپراتوری دریایی یونان تحت رهبری آتن تأسیس شد.

### \* ریشه جنگ‌های پلوپونز

ریشه جنگ‌های پلوپونز مربوط به نفرتی بود که «کورینت» متحد و مشابه حکومتی اسپارت (در هر دو پولیس حزب الیگاریشی با گرایش‌های نظامی حاکم بود) نسبت به آتن داشت. زیرا در سال ۴۳۵ یک جنگ داخلی میان دموکرات‌ها و الیگارش‌ها در جزیره کورسیا که از مهاجرنشینهای کورینت بود رخ داد. الیگارش‌ها از کورینت که

### عوامل اساسی در اختلاف بین آتن و سایر دولت‌ها:

1. حمایت ایران از برخی پولیس‌های ضد آتن.

2. مبارزات سیاسی گسترده و عمیق در آتن و سایر دولت‌ها که هر حزبی در پی دستیابی به قدرت بود.

\* تمیستوکل رهبر حزب دریایی آتن از 490 تا 470 بود. بخش عمده پیروزی یونان بر ایران مدیون تصمیم‌گیری دقیق و به موقع او بود. رقیب تمیستوکل، سیمون رهبری گروه سیاسی اراضی را به عهده داشت.

\* جنگ پلوپونز در ابتدا از رقابت تجاری میان آتن و کورنیت شروع شد.

\* اتحادیه دلوس: اتحاد تمام دولت - شهرهای یونانی در مقابل حمله ایران

\* تیرانی: حزب دموکراسی برده‌دار که خاستگاهی در لایه‌های میانی جامعه به ویژه بازرگانان، صنعتگران، صرافان و پیشه‌وران داشت.

\* آریستوکراسی زمیندار: با اعطای هر گونه امتیاز به غیراشراف مخالف بود. مخالفت با دموکراسی

\* جنگ‌های پلوپونز طی 27 سال سراسر یونان و مقدونیه، تراکیه و به خصوص پارسیان در آن درگیر شدند.

\* جنگ‌های پلوپونز مهمترین عامل فروپاشی یونان شد.

\* نقطه نهایی و اوج تزلزل و فروپاشی فرهنگ و تمدن آتن سرگردانی افلاطون و ارسطو و بی‌اعتنایی اخلاقی ارسطو و سلب عنوان شهروندی از وی بود.

جنگهای پلوپونز دلایل بی‌شماری دارد که از جمله می‌توان به مبارزه میان آتن و اسپارت بر سر قدرت‌جویی و رهبری یونان اشاره کرد. جدال میان این دو شهر - دولت بزرگ موقتاً با یک قرارداد ۳۰ ساله که به همت پریکلس فرمانروای آتن پیشنهاد و امضاء شد، خاتمه یافت. به استناد این قرارداد، آتن از دست‌اندازی به خشکی‌های یونان دست برداشت و نانوشته آن را به عهده اسپارت گذاشت و اسپارت نیز سلطه امپراتوری دریایی آتن را پذیرفت. منتهی تمام یونان، آتن و اسپارت نبود، بلکه شهر - دولتهای دیگر هم دارای قدرت و منافع اقتصادی بودند که با منافع آتن و اسپارت مغایرت داشت.

\* **جدال میان آتن و اسپارت در جریان جنگ‌های پلوپونز به همت پریکلس فرمانروای شهر آتن با یک قرارداد 30 ساله بطور موقت خاتمه یافت.**

\* **«ائتلاف پلوپونزی»:** اتحاد کورنیت (رقیب تجاری آتن) با اسپارت که در برابر آتن تشکیل شد. و قرارداد 30 ساله پریکلس نیز از طرف آتن لغو شد. زیرا نیروی دریایی آتن شهرهای ساحلی شبه‌جزیره بالکان را که در سر راه ایتالیا و سیسیل بود به عنوان مهمترین مراکز تجاری اشغال کرد.

جنگهای پلوپونز زمانی شروع شد که نبرد میان کورنیت و کوریس<sup>۱</sup> بر سر تصرف شهر ثروتمند «ایدامن»<sup>۲</sup> در سواحل دریای آدریاتیک درگرفت و آتن به حمایت کوریس با کورنیت وارد جنگ شد. به این ترتیب کنفدراسیون آتن در برابر ائتلاف پلوپونزی ظاهر شد. دولت کورنیت اعلام کرد که کنفدراسیون تحت رهبری تیرانی آتن تمام هلاد (یونان) را تهدید می‌کند. با این اظهار نظر رهبری ائتلاف را اسپارت به عهده گرفت و جنگهای پلوپونز آغاز شد (۴۳۱ ق - م)

\* **قرارداد 30 ساله پریکلس به خاطر اشغال شهرهای ساحلی شبه‌جزیره بالکان (مهمترین مراکز تجاری) توسط نیروی دریایی آتن، از طرف دولت آتن لغو شد.**

\* **«کلئون» رهبر دموکراتهای افراطی آتن علیرغم مخالفت پریکلس طرفدار جنگ با اسپارت بود.**

\* **پریکلس قصد داشت جنگ را با یک یورش دریایی به سرعت خاتمه دهد زیرا در صورت طولانی جنگ ممکن بود اسیر نیروی زمینی قدرتمند اسپارت شود.**

به هر حال جنگ در مرحله اول ۱۰ سال به طول انجامید (۴۳۱ تا ۴۲۱ ق - م) و در این صورت پیروزی نسبی نصیب ائتلاف پلوپونز به رهبری «ارخی داموس دوم»<sup>۲</sup> پادشاه اسپارت شد. پریکلس در مقابل اعتراض روستاییان که هستی خود را از دست داده بودند و در برابر نارضایی توده‌های شهرنشین در وضعیت متزلزلی قرار گرفت. وی همچنان بر پایه حفظ شرافت سرزمین به جنگ ادامه داد، تا این که در نتیجه ابتلا به بیماری طاعون درگذشت (۴۲۹).<sup>۳</sup>

پس از پریکلس، کنفدراسیون آتن به دو شاخه تقسیم شد: رهبری حزب دموکراسی برده‌دار (تیرانی) که به رادیکال شهرت داشت به دست کلئون افتاد و رهبری حزب آریستوکراسی برده‌دار را که مشهور به محافظه‌کار بود، یک برده‌دار بزرگ به نام «نیکیاس»<sup>۱</sup> به عهده گرفت. کلئون فرماندهی سپاه را به «دموستن»<sup>۲</sup> واگذار کرد و به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافتند. این پیروزی با تحمیل هزینه سنگینی بر دموکراسی آتن به دست آمد که خود منشاء بروز اعتراض‌های گسترده و جداشدن برخی از شهرها از کنفدراسیون آتن شد<sup>۳</sup> (۴۲۷). نیکیاس اجباراً و تحت فشار مردم آتن به اسپارتیان پیشنهاد صلح داد. به این ترتیب مرحله نخست جنگ‌های پلوپونز با انعقاد قرارداد صلح نیکیاس در سال ۴۲۱ ق. م به پایان رسید.<sup>۴</sup> به استناد این قرارداد شرایط قبل از جنگ میان طرفین حاکم شد و در واقع دموکراسی آتن شکست را پذیرفت.

\* دموکراسی آتن در پایان مرحله نخست جنگ‌های پلوپونز شکست را پذیرفت.

1. حزب دموکراسی برده‌دار (تیرانی) (رادیکال) : به رهبری کلئون – فرمانده سپاه دموستن

2. حزب آریستوکراسی برده‌دار (محافظه‌کار) : نیکیاس (یک برده‌دار بزرگ)

\* در واقع جنگ‌های پلوپونز نزاع شهریان طرفدار تجارت در برابر روستائیان فلاح‌پیشه بود. از نگاه دیگر میان بازرگانان و صاحبان صنایع برای دستیابی به مراکز و محافل بازرگانی

### مرحله دوم جنگ‌های پلوپونزی

\* طرفین یکدیگر را به نقض تعهدات و تجاوز به مرزها متهم کردند اما واقعاً شروع جنگ دوم بخاطر یورش آتنیان به تحریک و تشویق بازرگانان به منابع سیسیل بود.

\* در جنگ دوم «آلسیبیاد» رهبری جنگجویان آتنی را بر عهده داشت.

\* بعد از فرار آلسیبیاد (به خاطر اتهام توطئه علیه دموکراسی) فرماندهی به دموستن واگذار شد.

\* این بار نیز آتن شکست خورد و نیروهایش به اسارت افتاد و اقتصادش در هم ریخت.

### مرحله سوم جنگ‌های پلوپونزی – جایگاه پارسیان در جنگ‌های پلوپونز

\* اسپارت برای نابودی کامل قدرت دریایی آتن به شاهنشاهی هخامنشی متوسل شد.

\* دلیل نزدیکی اسپارتیان به پارسیان :

1. شباهت ساختار سیاسی این دو دولت که متکی بر اشرافیت نظامی و نظم برده‌داری بود.

2. پارسیان تنها دلیل شکست خود را از آتن ناشی از برتری توان دریایی آن می‌دانستند.

\* جهت انعقاد قرارداد بین اسپارت و هخامنشیان «لیزاندر» فرستاده ویژه اسپارت با واسطه تیسافرن ساتراپ لیدیه دست‌نشانده دولت هخامنشی وارد دربار داریوش دوم شد.

\* لیزاندر فرستاده اسپارت با کوروش پسر داریوش دوم والی آسیای صغیر طرح دوستی ریخت و از کمکهای او علیه آتن استفاده کرد.

\* آریستوکراسی آتن که دشمن حزب حاکم دموکراسی (دموس) برده‌داری آتن بود با کمک رساندن به اسپارت در فروپاشی کنفدراسیون آتن نقش مهمی را ایفاء کرد. به طوری که با یک کودتا در سال 411 دموکراسی برده‌دار را از قدرت برکنار و الیگارشی برده‌داری قدرت را به دست گرفت.

آخرین جنگ میان طرفین در محلی نزدیک هلسپونت، به نام «اگوس پوتاموس»<sup>۱</sup> و در سال ۴۰۵ رخ داد که به شکست کامل آتن منجر شد. آتنیان مجبور به تسلیم و پذیرش قرارداد خفت‌آور سال ۴۰۴ شدند. در آتن به دستور لیزاندر قدرت به دست کمیته‌ای از الیگارشی افتاد به نام «سی‌جبار یا سی‌تیرانی» که توسط «کریتیاس»<sup>۲</sup> مدیریت می‌شد. حکومت سی‌جبار نظام سیاسی ترور را در آتن به اجرا گذاشت از جمله سقراط نیز به دست همین کمیته به قتل رسید. «پوزانیاس»<sup>۳</sup> پادشاه اسپارت کوشش کرد، با برقراری آشتی بین الیگارشی و دموکراسی، صلح را به آتن بازگرداند که توفیق حاصل نکرد. آتن همچنان سیر سقوط را در پیش گرفت.<sup>۴</sup>

جنگهای طولانی پلوپونز نه تنها موجب سقوط دولتهای یونانی شد، بلکه بنیاد فرهنگ و فلسفه یونانیان را فروریخت. افلاطون از ناامیدی دست به سفر ۱۳ ساله‌ای زد که در واقع نوعی خود تبعیدی بود و در بازگشت به آتن آکادمی را بناکرد و مدینه فاضله را که نشان واقعی از ذهنیت‌گرایی، محافظه‌کاری و درون‌پنداری او بود نوشت. ارسطو نیز اسیر همین سرنوشت شد. با این تفاوت که با دربه‌داری و بدنامی مرد.

\* **اساس دموکراسی آتن در زمان سولون** پی‌ریزی شد ولی پریکلس نقش مهمی در ایجاد مکتب آتن داشت.

ترقی آتن محصول چهار علت عمده بود :

1. پیشرفت شهرنشینی و طرح مطالبات دموکراتیک توسط مردم
2. رهبری پیروزمندانه آتن در جنگ علیه داریوش و خشایارشا
3. رهبری آتن بر امپراتوری دریایی مرکب از 200 پولیس
4. ایجاد امنیت سیاسی و در پناه آن ترقی اقتصادی که زمینه رشد فرهنگی را نیز به وجود آورد.

\* از اقدامات چشمگیر پریکلس زیباسازی آتن و مرمت خرابیهای حاصل از جنگ بود.

\* پریکلس شاگرد آناکساگور بود که این فیلسوف بزرگ گفته بود تا آنجا که من می‌دانم او کاملترین مردی است که در یونان پا به عرصه وجود نهاد.

\* آتن تحت فرماندهی پریکلس از **جميع فواید دموکراسی** و از همه **مزایای آریستوکراسی و استبداد** برخوردار بود. آتن در عصر پریکلس به اوج عظمت خود رسید.

## جنبش اصلاحات سیاسی - اجتماعی در آتن

دو واقعه مهم که آن را به کانون توجهات سیاسی - فلسفی تبدیل کرد :

1. مبارزه میان حزب آریستوکراسی برده‌دار و حزب دموکراسی برده‌دار

2. اجرای اصل مهاجرت و تأسیس کلنی‌ها توسط یونانیان

## جنبش اصلاحات (آغاز از قرن ششم) معلول دو علت اساسی بود

1. رشد سریع بازرگانی و صنایع دستی و تبدیل شدن قطب تجارت رقیب جدی علیه اشرافیت کهن (عبور از سنت‌گرایی اشرافی به نوگرایی شهرنشینی)

2. هجوم بردگان به یونان که به عامل تهدید کننده امنیت تبدیل شد.

\* سیلون رهبری دموس (ژئومورها) را علیه اوپاتریدها را برای برقراری حکومت تیرانی به دست گرفت و اکروپل را تصرف کرد ولی توسط نیروهای وفادار اوپاتریدها محاصره و کشته شد.

\* پایه‌های قدرت **اوپاتریدها** یا **نجبا** بر زمین و برده مستقر شده بود.

\* ظهور پی در پی مصلحان اجتماعی در آتن ریشه در تغییر ماهیت و عملکرد اقتصادی داشت.

\* تغییر ماهیت اقتصادی ناشی از گذار آتن از اقتصاد معیشتی اولیه به اقتصاد مباده‌ای و عصر اقتصاد پولی بود.

\* سقوط نظام اخلاقی آتن ناشی از استثمار یک اقلیت ثروتمند از اکثریت تهیدست بود.

\* دراکون مأمور تدوین مجموعه قوانین در آتن را به عهده داشت. قوانین او بسیار شدید و نامتعادل بود.

\* ادامه نابرابری میان ثروتمندان و تهیدستان موجب برخاستن یک اشراف‌زاده خردمند به نام سولون شد.

## اقدامات سولون :

1. اصلاحات جدید به نفع تهیدستان (بخشودگی بدهی کشاورزان و برافتادن بردگی به جای پرداخت بدهی)

2 دادن عنوان شهروندی به افراد بیشتر (تعداد اعضای مجلس ملی به 400 نفر رسید)

3 کاهش قدرت نجیب‌زادگان

4 تشکیل دادگاههای عمومی برای رسیدگی به شکایات مردم

\* نکته جالبی که در نظام قانون‌گذاری سولون وجود داشت تکیه او بر مدد گرفتن از قدرت خدایان و ترساندن ثروتمندان از عقوبت خدایان بود. اقدامات او به نفع تهیدستان جامعه منتهی گردید.

\* دیاکرین‌ها: دهقانان کم زمین که از عدم تقسیم مجدد زمین در دوره سولون ناراضی بودند.

\* حزب دیاکرین دموکراتیک‌ترین حزبی بود که رویای یک نوسازی اساسی و عمومی را داشت.

\* در رأس این حزب «پی‌سیس‌ترات» قرار داشت. گرچه آریستوکرات بود ولی به مردم پیوست.

\* یکی از اقدامات مهم «پی‌سیس‌ترات» ایجاد دادگاههای سیار برای رسیدگی به شکایات روستاییان بود. او برای کسب حمایت بازرگانان ناوگان جنگی آتن را تقویت و تجارت خارجی را گسترش داد. در زمان او آتن به مرکز فرهنگی مهمی تبدیل شد.

\* شیوه حکومت کلیستن به دموکراسی برده‌دار شهرت داشت.

\* پس از تصرف آتن توسط اسپارت و حکومت الیگارشی در آن مردم به رهبری کلیستن دست به شورش زدند و اسپارتهای را از آتن اخراج کردند.

\* کلیستن دیکتاتوری پی‌سیس‌تراپ را برانداخت و اصلاحات سولون را دنبال کرد.

\* کلیستن در آتیکا حکومت دموکراسی تشکیل داد که حدود یک قرن ادامه یافت.

\* تشکیل مجمع ملی یا شورای پانصدنفره از اقدامات کلیستن است.

\* کلیستن برای کاهش قدرت خانواده‌های اشرافی تمام آنان را در ده «فیله» گردآوری کرد و قدرت اشراف را به صفر رساند.

\* آنچه در اصلاحات کلیستن توجه را جلب می‌کرد این بود که او در واقع نماینده بازرگانان و برده‌داران بود چون کمتر اقدامی علیه این گروهها به عمل آورد.

\* اصلاحات کلیستن برخلاف اصلاح‌گران قبل از او بیشتر جنبه سیاسی داشت.

**دولت و حکومت در اسپارت**

\* برخی منابع اسپارتیان را از قوم دوری می‌دانند که از شمال غربی شبه‌جزیره بالکان آمدند.

\* اسناد تاریخی اسپارت غالباً متکی بر اطلاعات مختصری از «تیره» شاعر قرن هفتم و اظهارات متعصبانه و محدود هرودوت، توسیدید و لیزاندر و خصوصاً کتاب «جمهوریت اسپارت» اثر گزنفون است.

### تقسیم‌بندی جامعه اسپارت :

1. شهرنشینان یا اسپارته‌های اصیل (فرمانروایان و نظامیان بودند و هیچ کار دیگری انجام نمی‌دادند.

2. بردگان که بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دادند و با زمین خرید و فروش می‌شدند.

3. حومه‌نشینان یا همسایگان که در حاشیه جامعه اصلی زندگی می‌کردند. عبارت بودند از بازگانان، معدنچیان، و صنعت‌کاران

\* اسپارتیان نسبت به بردگان خشن‌ترین رفتار را نسبت به همه دولت‌های شرق و غرب اعمال می‌کردند.

\* اردوگاه تعلیم نظامی پسران در اسپارت «خانه مردان» نام داشت.

\* افلاطون کتاب مدینه فاضله خود را براساس ضوابط اجتماعی اسپارت تنظیم کرده است.

\* هدف دولت اسپارت از اجرای برنامه‌های اجتماعی سخت و خشن ایجاد روح همبستگی و اطاعت‌پذیری و انقیاد از دولت و از بین بردن احساس مالکیت خصوصی بود.

\* افلاطون علت شکست آتن از اسپارت (جنگ پلوپونز) را **سلطه حاکمان بی‌خرد** بر مسند حکومت می‌دانست.

\* اسپارتیان به خود می‌بالیدند که بهترین قانون اساسی جهان را «لیکورگ» برای آنان نوشته است.

\* به عقیده توسیدید حکومت اسپارت از نوع «جمهوری اشرافی» بوده است.

\* ساختار قدرت در اسپارت متکی بر نظام دو پادشاهی بود. دو پادشاه رؤسای شورایی بودند که وظیفه‌اش از پدر به پسر منتقل می‌شد. اما حکومت واقعی اسپارت در دست شورای سی نفره بود که بالاترین مرحله قضایی نیز به شمار می‌رفت. این شورا تشکیل شده بود از دو پادشاه و اشراف برجسته بالای 60 سال.

\* اعضاء مجلس ملی، فرزندان اشراف بودند که باید حداقل 30 سال سن داشته باشند.

\* نظام دو پادشاه در اسپارت از موارد خاص تاریخ است. احتمالاً دو پادشاه نماینده دوطایفه قدرتمند بوده که به منظور ایجاد تعادل و ثبات قدرت و یا منظور جلوگیری از استبداد و خودکامگی یک پادشاه.

\* احتمالاً یک پادشاه از قوم دوری و یک پادشاه از قوم آکایی بوده است.

\* نهاد مدنی دیگر اسپارت مجلس سنا بود که اعضا آن 28 نفر از مستن‌ترین افراد طبقه اشرافیت بودند.

- \* بزرگترین مسئولیت سنا به عنوان دادگاه عالی کشوری : رسیدگی به جرایم سنگین نظامی و سیاسی بود.
- \* بالاترین نهاد اجرایی اسپارت که بیشتر مسئولیت اجرایی و نظارتی داشت «افورا» بود.
- \* افور با پنج عضو و با اختیارات وسیع از طرف مجلس شورای ملی انتخاب می شد.
- \* مهمترین وظیفه افورا تعدیل قدرت دو پادشاه و تنظیم روابط میان تمام نهادهای قدرت بود. افور از حق بی چون و چرایی نسبت به تمام نهادهای قدرت برخوردار بود.
- \* دو عامل اصلی باعث عظمت و امنیت اسپارت بود و همین دو عامل نیز اسپارت را به انزوای سیاسی، اجتماعی و به تبع آن به فقدان ابتکار و رونق علمی و فلسفی کشاند :

1. سلسله کوههای سر به فلک کشیده «تایثرت» که منطقه لاکونیا را به دژ تسخیرناپذیری تبدیل کرده بود.
2. قوانین حیرت‌انگیز و رعب‌آور لیکورگ

- \* جنگجویی ، بی‌باکی و شجاعت مردم اسپارت با شوالیه‌های عصر جمهوری رم و صلیبون دوره‌های نخست جنگهای صلیبی قابل مقایسه است.
- \* مردم اسپارت عقیده داشتند قوانین لیکورگ با الهام از خدایان معبد دلفی تهیه شده و نخستین قانون اساسی تاریخ بشر است.

\* بعدها کشف شد **نخستین قانون اساسی** توسط **هیتی‌ها** بوجود آمده است.

\* در اسپارت قانون‌پذیری یک فضیلت و بیماری یک رذیلت به حساب می آمد.

- \* پلوتارک، گزنفون و افلاطون بیش از دیگران روش زندگی در اسپارت را ستوده‌اند. به ویژه افلاطون که رسالهٔ جمهوری (مدینهٔ فاضله) را از نظام سیاسی حقوقی اسپارت برداشت کرد و نظریه مثل را به آن افزود.

## فرهنگ، فلسفه و علم در یونان

- \* یونان مهد ظهور علم و فلسفه و نخستین جایگاه تجلی علم سیاست و دموکراسی است.
- \* نخستین قانون اساسی جهان در تمدن هیتی نوشته شد.
- \* پادشاه در هیتی توسط شورای بزرگان (پانکوس) انتخاب می شد و در صورت ارتکاب جرم محاکمه می شد.
- \* پایه مدنیت مغرب زمین از مدنیت شرقی کورت آغاز شد. کورتی‌ها مهاجران سومری بودند.
- \* براساس اسناد موجود طالس و فیثاغورث به عنوان بنیانگذاران اندیشه علمی و فلسفی مستقیم یا غیرمستقیم از مبانی علمی فلسفی شرق الهام گرفته‌اند.



- \* برجسته‌ترین دانشمند ایونی و نخستین عالم یونانی «طالس میلتی» است. علاقه او به علم ناشی از مرادۀ بازرگانی او با مصر و بابل بود.
- \* طالس نخستین متفکری است که حوزه معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی انسان را از ماوراء طبیعت به طبیعت معطوف کرد. «انسان متفکر» واقعی پا به عرصه علم و دنیای فلسفی گذاشت.
- \* طالس نخستین دانشمند و از جمله هفت عالم یونانی است که به جستجوی رابطه علی در تغییرات طبیعت پرداخت. مارکسیست‌ها معتقدند که طالس نخستین دانشمند ماتریالیست است.
- \* طالس طرفدار حزب دموکراسی برده‌دار و فیثاغورث رهبر حزب آریستوکراسی برده‌دار بود.
- \* شاگردان طالس پیرو «مکتب میلتی» بودند.
- \* پایان نظام پادشاهی در قرن‌های هشتم و هفتم به «قرون وسطای» یونانی شهرت دارد.
- \* دوره شکوه و درخشندگی هلنیسم با دوره کلاسیک (قرن پنجم) که عصر تمدن زرین یونانی است به اوج می‌رسد.
- علم یونانی متأثر از دو حوزه غیر یونانی بود: یکی حوزه آسیای صغیر که مربوط به مکتب میلتی (طالس) می‌شد و دیگری حوزه سیسیل و جنوب ایتالیا که مربوط به مکتب فیثاغورث بود. هر دو حوزه به ترتیب متأثر از بین‌النهرین و مصر بودند.
- \* امپیدوکلس نخستین دانشمندی بود که هوا را به عنوان یک عنصر معرفی کرد. نظریه معروف او این بود که جهان هستی ترکیب نسبی از چهار عنصر آب، خاک، هوا و آتش است.
- \* به نظر امپیدوکلس عامل حرکت تاریخ را تنازع میان دو نیروی عشق و کین می‌دانست در حالی که آناکساگوراس معتقد به عقل و نووس بود. و عقل را ناظم امور عالم می‌دانست
- پارمیندوس<sup>۴</sup> را به‌عنوان پدر مکتب «هستی‌شناسی»<sup>۵</sup> می‌شناسند. افلاطون به او لقب «بزرگ» داد و از مکتب او تبعیت کرد. درحالی‌که پارمیندوس خود پیرو مکتب فیثاغورث بود.
- \* آتنی‌ها از طریق آناکساگوراس مفهوم فلسفه را دریافت کردند.
- \* نخستین نظریه «خداوند صنانع» توسط آناکساگوراس مطرح شده است.
- \* آناکساگوراس برای نخستین بار اعلام کرد که روح، عامل اصلی تغییرات طبیعی است.
- \* پروتاگوراس واضع مکتب سوفسطائیان قبل از سقراط فلسفه را با یک نهضت شکاکیت روبرو کرد.
- \* به دلیل تأسیس اولین حلقه شاگرد و معلم سوفسطائیان را واضع فلسفه علمی می‌دانند.

- \* سقراط ابتدا خود شاگرد مکتب سوفسطائیان بود ولی این مکتب را رها کرد و آنان را به علم‌فروشی و ریاکاری متهم کرد.
  - \* افلاطون و ارسطو در تقییح سوفسطائیان و رد عقاید و اعمال ایشان بسیار کوشش کردند.
  - \* سقراط گرچه شاگردان خود را تعلیم می‌داد اما هیچ آثار مکتوبی از خود به جا نگذاشت.
  - \* **افلاطون** در رساله «دفاعیات» خود، سقراط را احیاء کرد. او بیش از هر فیلسوف یونانی تحت تأثیر سقراط قرار گرفت. او بیشتر از هر فیلسوفی روی فلاسفه بعد از خود خصوصاً فلسفه مسیحیت و شرقی اثر گذاشت.
  - \* شکست آتن در جنگ پلوپونز حادثه‌ای بود که مسیر فکر سیاسی و فلسفی افلاطون را تغییر داد.
  - \* افلاطون دلیل شکست آتن را تنها در حکومت توده‌های برده‌دار می‌دانست که فاقد خرد سیاسی، اجتماعی بودند. به همین دلیل در نظریه «فیلسوف‌شاه» معتقد است که یا حکیم باید حاکم باشد و یا حاکم باید حکیم.
  - \* مهمترین اثر افلاطون «رساله جمهوریت» است که دربارهٔ ماوراء طبیعت، خداشناسی، اخلاق، روانشناسی، تعلیم و تربیت و سیاست و هنر است. او نظریه مدینه فاضله را در همین رساله مطرح کرده است.
  - \* ارسطو شاگرد آکادمی افلاطون بود و معلم اسکندر مقدونی.
  - \* مدرسه «لیسیون یا لوکایون» را ارسطو در باغ شخصی خود تأسیس کرد. «رساله سیاست» حاصل تدریس او به شاگردانش می‌باشد. به نظر ارسطو حکومت کمال مطلوب، حکومتی است که افراد آن در سعادت و شادکامی به سوی کمال و تعالی حرکت کنند.
  - \* ارسطو آخرین شمع درخشان در محافل علمی، فلسفی یونان بود.
  - \* ظهور مکاتب بعد از ارسطو مثل رواقیون (نوعی دنیاگریزی و آخرت‌گرایی)، کلبیون، شکاکيون و اپیکوریان.
  - \* رواقیون (نوعی دنیاگریزی و آخرت‌گرایی) زمینه ظهور مسیحیت را فراهم آورد.
- شاید در تاریخ یونان هیچ فیلسوف و دانشمندی به اندازه ارسطو بر علوم زمان خود اشراف استادانه نداشت و هیچ کدام به اندازه او واضع علوم جدید از جمله علم منطق، اخلاق و علوم طبیعی، نبودند. ولی متأسفانه در میانه سوءظن، کینه‌توزی، نفرت مردم و به اتهام جاسوسی به نفع آنتی‌پاتر، جانشین اسکندر، در بدنامی مرد!
- \* پارتنون: ایجاد وهم عینی و نظری برای بیننده بوسیله فیزیک و هندسه

\* ویژگی معماری یونانی کاربری ستونهای مرمر به تعداد زیاد و این هنر در کمال سادگی صورت می‌گرفت. مانند آکروپل و پارتنون

\* پارتنون مهمترین برنامه تعمیرات و تجدید بناهایی است که در زمان پریکلس در آکروپل صورت گرفت.

\* معماری یونان تحت تأثیر معماری مصر قرار داشت.

\* منظومه‌های «کارها و روزها» و «دودمان خدایان» که شکل حماسه‌های توده‌ای را کاملاً حفظ کرده بودند اثر هزیود شاعر اوایل قرن هفتم است.

\* کمدی و نمایشنامه‌های تراژدی که در تئاتر عرضه می‌شد از **مراسم و جشن‌های مذهبی** محلی آغاز شد.

\* تئاتر در جشن‌های روستایی پدیدار شد.

\* آریستوفان کمدی نویس معروف یونان بود. نمایشنامه «لی‌سیس ترانا» اثر اوست.

\* در عصر پریکلس هنر یونانی به اوج خود رسید.

\* اشیل تراژدی نویس معروف نود تراژدی نوشته که هفت تای آن باقی مانده است. «پارسی‌ها» لشکرکشی

خشیارشا در نبرد سالامین را بازگو می‌کند. مشهورترین اثر او «پرومته در زنجیر» است. در این تراژدی

نوعی احساس اومانیستی وجود دارد. که انسان را از چنگال باورهای خرافی می‌رهاند.

\* سوفکل بیش از صد تراژدی به نمایش گذاشت که معروف‌ترین آنها «ادیب‌شاه» و «آنتیگون» است.

\* اورپید معاصر سوفکل الهامات خود را از زندگی واقعی بیرون می‌کشد. او موضوعات خود را از افسانه‌های

کهن یونان می‌گرفت.

\* فیدیاس مجسمه‌ساز معروف یونان تندیس زئوس، آتنای پروماخوس و آتنای پارتنون را حجاری کرده.

مجموعه آکروپل زیر نظر فیدیاس به برجسته‌ترین سمبل معماری هلنی تبدیل شد.

\* معبدی که در جزیره اژین ساخته شده بعد از پیروزی بر پارسیان ساخته شده است.

## امپراتوری مقدونی

\* پس از مرگ پریکلس که عامل وحدت سیاسی و استقرار دموکراسی در آتن بود چند دستگی و مبارزه میان

گروه‌های سیاسی برای کسب قدرت بالا گرفت.

\* مرکز لاکونیا اسپارت بود.

\* فیلیپ دوم بنیانگذار مقدونیه نوین وحدت سیاسی و نظامی را مطابق الگوهای اسپارتی و نوسازی فرهنگی را

مطابق روش آتنی برقرار کرد.

\* در زمان فیلیپ دوم مقدونیه نیرومندترین دولت بالکان تبدیل شد.

\* دموستن آخرین قهرمان ملی آتن سعی کرد وحدت ملی را احیاء کند به نتیجه نرسید و آتن در آخرین جنگ خود با مقدونیه شکست خورد و تحت نظارت فیلیپ درآمد و امپراتوری مقدونیه تأسیس شد.

\* فیلیپ تصمیم گرفت به تلافی اردوکشی خشایارشا به آتن به ایران حمله کند که در یک توطئه خانوادگی کشته شد و فرزندش اسکندر (336-323) در بیست سالگی جانشین پدر شد.

\* نخستین برخورد ایرانیان با مقدونیان در شهر «ایسوس» رخ داد که منجر به شکست داریوش سوم شد.

\* دومین برخورد میان داریوس و اسکندر در گوگمل رخ داد که منجر به شکست ایرانیان است.

\* اسکندر قبل از ورود به تخت جمشید در دروازه فارس با مقاومت «آریوبرزن» مواجه شد.

\* جامعه شرقی جامعه‌ای مذهبی است بنابراین هرکس از دروازه دین قدم به شرق گذارد پیروز خواهد شد. ناپلئون با شمایل دینی وارد مصر شد. انگلیس با مذاهب ساختگی به ایران وارد شد اختلاف ایجاد کرد.

\* پس از مرگ اسکندر یونان و مقدونیه به دست «آنتی پاتر» سرباز کهنه‌کار اسکندر افتاد.

\* سوریه، فلسطین و ایران غربی بعد از مرگ اسکندر به دست سلوکیان اداره شد.

\* اسکندریه توسط «بطلمیوس سوتر» پایتخت مصر شد و به آتن شرق شهرت یافت. او در این شهر مرکز علمی «موسئوم» تأسیس کرد. و تمدن اسکندرانی را ایجاد کرد.

\* بطلمیوسیان مصر اسکندریه را با اسناد علمی و فلسفی یونانی به بزرگترین کتابخانه جهان تبدیل کردند.

\* چراغ دریایی اسکندریه از عجایب هفتگانه نمایشی از هنر هلنستیک در مصر بود.

\* «آریستاخوس» یکی از علماء هیأت در قرن سوم ق.م نظریه گردش زمین به دور خورشید را مطرح کرد.

\* اراتوستن اعلام کرد که زمین کروی است نه مسطح او محیط زمین را محاسبه کرد.

\* اقلیدس در ریاضیات بخصوص در هندسه و بطلمیوس در نجوم شهرت دارد المجسطی اثر بطلمیوس است.

\* فرهنگ هلنستیک ترکیبی از سنت هلنی (یونانی) و سنت شرقی بود.

اسکندر برای اداره بی‌دردسر امپراتوری خود در شرق:

1. نیروهای ناراضی را که به کانون‌های مخالف تبدیل می‌شدند به دورن دایره خودی بازگرداند.

2. با امتزاج فرهنگی یونان و ایران غرور هلنی را که دیگران را بربر می‌خواندند از بین برد.

\* از ویژگیهای مکتب اسکندریه این بود که جنبه علم خالص یونانی از بین رفت و علم یونانی با میراث فرهنگ بابلی، مصری، یهودی و پارسی به یک مکتب جهانی تبدیل شد.

## فرهنگ و تمدن روم

\* داستان افسانه‌ای بنیان شهر رم را شاعر رومی «ویرژیل» در حماسه «انه‌اید» یا جنگ‌نامه «انیاس» سروده.

\* معبد وستا روی یکی از تپه‌های کنفدراسیون «هفت تپه» در رم به نام «پالاتین» قرار داشت.

\* بنیانگذار شهر رم «رمولوس» از اعقاب «انه» بودند.

## تمدن اتروسکی (عصر پادشاهان اساطیری)

\* رگه‌های فرهنگ هیتی نیز در تمدن اتروسک‌ها به چشم می‌خورد. اتروسک‌ها احتمالاً مانند کرت و ایونی الفبای خود را از فنیقه گرفتند و زبانشان غیرهندواروپایی بود.

\* جامعه اتروسکی، نخستین شهرهای آزاد ایتالیا را برپا کرد. فدراسیون اتروسکی تقلیدی بود از آخایی.

\* اتروسک‌ها تا قرن پنجم استقلال خود را حفظ کردند ولی در مقابل رومیان شکست خوردند و بساط سلطنت آنان توسط رومیان برچیده شد. اتروسک‌ها نخستین قوم متمدنی بودند که به ایتالیا رسیدند.

\* پس از اتروسک‌ها، رومیان جمهوری برقرار کردند.

\* روم از نظر فکری – فرهنگی رشدی در قیاس با یونان نداشت، اما انضباط و قانون‌مداری و نظم بوروکراتیک و طولانی شدن عمر حکومت برخوردار شد.

\* روم در جریان تحول تاریخی، به عالی‌ترین مبانی حقوقی دست یافت و غنی‌ترین میراث حقوقی (حقوق روم) را برای اروپای مدرن باقی گذاشت.

\* آغاز تمدن شبه‌جزیره آپنین به عصر کهن سنگی (قرن پنجم ق.م) برمی‌گردد.

\* در عصر مفرغ (هزاره دوم ق.م) تمدن «ترامارها» در ایتالیا ظهور کرد. تمدن روم در عصر مفرغ با تمدن «کرت» و «می‌سن» پیوند خورد و تمدن «آپنین» را ایجاد کرد.

\* از هزاره اول ق.م (مرحله نخست عصر آهن) تمدن «ویلانوا» که بنیانگذار تمدن کشاورزی است ظاهر شد.

\* گروه‌های اجتماعی در تمدن ترامارها معروف به «کوری» بود. در این دوره 39 گروه اجتماعی وجود داشت.

\* کوری همان وضع فراتری (برادری) در یونان را داشت.

\* مذهب اتروسک‌ها مبهم، اسرارآمیز، سخت و خشن بود.

\* آخرین پادشاه اتروسکی «تارکین» مغرور بود در طغیان سراسری مردم روم و طوایف لاتن بیرون رانده شد. از این تاریخ سرگذشت دولت - شهرهای لاتن مستقل روم شروع شد.

\* پس از سقوط نظام سلطنتی افسانه‌ای اتروسک‌ها، نظام سیاسی روم وارد مرحله جمهوری شد.

\* رومی‌ها برای تقویت و بقای جمهوری دست به تأسیس نهادهای نظامی و توسعه روح نظامی‌گری زدند که این حاصل آن «جمهوری میلیتاریستی» روم شد. احترام به «مارس» خدای جنگ عمومی شد.

\* نخستین هسته نظامی در روم «فالانژها یا فالانکس‌ها» بودند. بعدها «لژیون» جانشین فالانژها شد.

\* در جمهوری روم نه تنها سیاست، بلکه اقتصاد، فرهنگ و حتی معماری و ادبیات نیز تابعی از روح نظامی‌گری و نمایشی از تجلی قدرت بود.

\* در عصر جمهوری حکومت و قدرت در دستان اقلیتی از پاتریسین‌ها نوبت به نوبت می‌چرخید. زیرکی پاتریسین‌ها در این بود که ظاهر حکومت را به مسئله و امر مردمی تبدیل کرده بودند به همین سبب حکومت نا «جمهوری» به خود گرفته بود.

\* کومیس‌های سنتوریات ارگان عالی حکومت بودند که جنگ و صلح و جابجا کردن فرماندهان نظامی برعهده آنان بود.

\* نظام سیاسی را دو «کنسول» اداره می‌کرد و سیستم نظامی و قضایی را دو «ماژیسترا» فرماندهی می‌کردند.

\* جمهوری روم تجلی از سلطه اشرافیت نظامی بود.

\* ماژیستراها به عنوان نخستین ارگان حکومت جمهوری بودند که برای مدت یکسال از بین پاتریسین‌ها انتخاب می‌شدند. محافظین ماژیستراها یا پره‌تورها «لیکتور»ها بودند.

\* پس از انحلال نظام سلطنتی و تأسیس جمهوری براساس تنظیم قوانین مردم به دوطبقه اشراف‌زاده یا پاتریسین‌ها و طبقه زیردستان یا پلبین‌ها تقسیم می‌شدند.

\* پاتریسین‌ها که از کلمه پاتر به معنی پدر گرفته شده تنها طبقه شهروند به حساب می‌آمدند. شرط شهروندی داشتن املاک وسیع یا وابسته به خانواده‌های متمول بود.

در عصر پادشاهی نظامی سیاسی متشکل از سه نهاد بود :

1- پادشاه (رکس)                      2- سنا (سنیکس)                      3- مجمع ملی (کومیس)

\* منصب پادشاهی موروثی نبود بلکه براساس توافق سران طایفه برای مدت حداقل 5 سال انتخاب می‌شد.

- \* «اولی رومولوس» بنیانگذار سلطنت در دوران و «نوما پمپلیوس» بنیانگذار مذهب در دوران اتروسکی بود.
  - \* سنا یا شورای ریش سفیدان که به آنها سناتورها یا پدران «پاترها» می‌گفتند. تعداد سناتورها در ابتدا 100 نفر بود ولی بعدها بخاطر افزایش تعداد خانوار به 300 نفر رسید.
  - \* قدیمی‌ترین نهاد طایفه‌ای مجمع یا شورای عمومی (کومیس) بود. کومیس شامل سران و نمایندگان کوری بود و شاه از میان همین شورا به روش رأی دادن مستقیم انتخاب می‌شد.
  - \* در عصر جمهوری نظام سیاسی متکی به سه نهاد کنسولی، سنا و مجلس شواری مردمی بود.
  - \* اعضا سنا 300 نفر بودند که از میان پاتریسین‌ها انتخاب می‌شدند و کنسول‌ها که قبلاً بایستی مرحله سناتوری را گذرانده باشند نیز از میان سناتورها برگزیده می‌شدند.
  - \* اعضای مجمع مردمی از میان پاتریستن‌های درجه دوم انتخاب می‌شدند. آنها اولین مرحله تصمیم‌گیری و تهیه قوانین را به عهده داشتند.
  - \* مسئولیت کنسول در مواقعی که از روم خارج می‌شد به شخصی به نام «پره‌تور» واگذار می‌شد.
  - \* در قرن پنجم ق.م کمیسیون ویژه‌ای از طرف سنا مأمور تدوین مجموعه قوانینی به عنوان قانون اساسی مدون روم شد که به الواح دوازده‌گانه شهرت یافت. (مقدس بودن این الواح مانند حماسه هومر در یونان بود)
  - \* این قوانین با اقتباس از قانون اساسی ارسطو تنظیم شده بود و بعد به نام «قانون روم» مشهور شد.
- الواح دوازده‌گانه در قرن ششم میلادی در قانون یاگد ژوستینی<sup>1</sup> (امپراتور روم شرقی) تجلی یافت و مهمترین پایه‌های حقوق خصوصی و عمومی مغرب‌زمین را ساخت. ویژگی این مجموعه حقوقی جهان شمول، این بود که اصول حقوق بین‌الملل و مناسبات دولتها را بنا نهاد.
- \* به جز دو گروه پاتریسین‌ها و پلبین‌ها گروه سومی به نام «پرولتاریا» وجود داشت که فاقد مالکیت بودند.
  - \* در شورش پلبین‌ها علیه پاتریسین‌ها، پلب‌ها از حمایت پرولتاریا برخوردار بودند.
  - \* مذاهب رومی بیشتر تحت تأثیر مذهب یونانیان قرار گرفته بود. مذهب رومیان با آداب ادیان یونانی – مصری و سایر ملل شرقی در هم آمیخته بود.
  - \* پذیرش مسیحیت توسط رومی‌ها مصداق بارزی از ویژگی عدم تعصب دینی رومی‌ها است.
  - \* هیچ تمدنی بدون دین به وجود نیامده و هیچ عاملی مثل دین نمی‌تواند ایجاد همسبستگی و وحدت کند.

\* در اواخر عصر جمهوری، رومیان به یک از مذهبی‌ترین اقوام دنیا تبدیل شدند. زیرا دین در این دوره بیشتر شکل خانوادگی گرفت و عامل همبستگی میان خانه جامعه و دولت شد. مظهر این اصل «وستای الهه» یعنی آتش جاویدان در آتشدان خانه بود. از میان خدایان خانواده لارس و پئاتس بودند.

\* رومی‌ها مذهب اصلی خود را مربوط به خدای «نوما» که نخستین قانون‌گذار روم بود می‌دانستند.

\* تریبون‌ها به عنوان نمایندگان پلبین‌ها حافظ حقوق عامه تعیین شدند.

\* قانون جمهوری آریستوکراسی یک درجه تعدیل پیدا کرد و حقوق سیاسی فرد در قانون تثبیت شد و این مفهوم که حکومت «امر مردمی» یا «امر عمومی» است در حقوق رم تبلور یافت.

\* کمیته‌های کوریا و کمیته‌های استوریا نا مجلسی بود که پلبین‌ها در آن نماینده داشتند.

\* در اواخر عصر جمهوری سه ضلع مثلث قدرت متعارض: آریستوکراسی، الیگارش و دموکراسی در عدم تحمل یکدیگر زمینه فروپاشی جمهوری و استقرار امپراتوری را فراهم آوردند.

\* برخی منابع نظام سیاسی عصر جمهوری روم را به دوره مشروطه آتن تشبیه می‌کنند.

جمهوری روم بر دو پایه اصلی بنا شده بود:

1. اراده مردم که پایه اقتدار و حقوق سیاسی بود و جلوه دموکراسی را ترسیم می‌کرد.

2. قدرت فرماندهان نظامی که اشراف بودند و سیمای آریستوکراسی را نشان می‌داد.

\* مجموعه قوانین «الواح دوازده‌گانه» نقش قانون اساسی را اجرا می‌کرد.

\* اختیار جلوگیری اشراف از احکام «کمیته‌های تریبوتا» که مجلس عامه بود، سلب شد و پس از دوستان سال مبارزه، اشراف و عامه متساوی‌الحقوق شدند.

روم و کارتاژ (جنگ‌های پونیک)

\* «ائتلاف سامنی» فدراسیون جنگی ایتالیای مرکزی با هم علیه دولت جمهوری بود.

\* پس از شکست ائتلاف سامنی روم به قدرتمندترین دولت در حاشیه مدیترانه تبدیل شد. اما مهمترین جنگ سرنوشت‌ساز برای رومی‌ها جنگ با رقیب تجاری خود یعنی «کارتاژها» بود که به جنگ پونیک شهرت دارد.

\* در جنگ سیسیل برتری سلاح با کارتاژها بود و رومیان شکست خوردند ولی بازرگانان و صاحبان صنایع با هزینه خود ناوگان جدیدی در خدمت رومیان گذاشتند. رومیان در انتهای دوره جنگ‌های اولیه فاتح شدند.



- \* دومین جنگ میان روم و کارتاژ بین سالهای 218 تا 201 ق.م ادامه یافت. در این جنگ فرمانده کل فنیقی‌ها «هانیبال» و فرمانده رومی «فابیوس» بود.
- \* فرمانده دیگر رومی‌ها در جنگ کارتاژ «اسپیون» به شمال آفریقا یورش برد و به افتخار پیروزی در کارتاژ به لقب «آفریکانوس» شهرت یافت. فنیقی‌ها اسپانیا را به روم واگذار و مبلغ هنگفتی غرامت پرداخت کردند.
- \* دوره دوم جنگها زمانی شروع شد که بازرگانان روغن زیتون رومی کارتاژ با تولید روغن زیتون غنی در شمال آفریقا می‌تواند بازارهای مدیترانه اشغال کند دولت خود را به جنگ با کارتاژ واداشتند.
- \* در دوره دوم جنگهای پونیک نیز رومی‌ها به پیروزی رسیدند اعضای سنای کارتاژ به هانیبال پیشنهاد علام آتش بس و شروع مذاکرات صلح را با رومیان دادند. روم آتش بس و مذاکرات را مشروط به شرایط زیر پذیرفت :
  - اولاً کارتاژ تمام متصرفات شمال آفریقا را از دست می‌داد.
  - ثانیاً از این پس حق جنگیدن با همسایگان خود را بدون اجازه روم نداشت
  - ثالثاً کارتاژ بایستی تمام تجهیزات نظامی و فیل‌های جنگی خود را به رومی‌ها تحویل می‌داد و خلع سلاح می‌شد.
  - رابعاً کارتاژ بایستی شکست و تسلیم را می‌پذیرفت، غنایم جنگی و اسیران رومی را پس می‌داد و غرامت جنگی می‌پرداخت. برای تضمین این تعهدات، کارتاژ بایستی تعداد ۱۰۰ کودک از خانواده اشرافی را به عنوان گروگان در اختیارات ایتالیا قرار می‌داد.
- \* شروع جنگ سوم پونیک مصادف با خاتمه سرکوب یونان توسط سپاه روم بود.
- \* تحقیر کارتاژی‌ها مبنی بر عقب‌نشینی تا 15 کیلومتر از ساحل مردم کارتاژ را با هم متحد کرد. رهبری کارتاژیان را یک نظامی با تجربه به نام «آسدروبال» به گرفت.
- \* فرماندهی سپاه را به «پوبلیوس، سی پیون آمی لیوس» پسرخوانده سی پیون آفریقایی واگذار کردند.
- \* این فرمانده با محاصره کارتاژیان آنها را دچار قحطی و ناچار به تسلیم کرد.
- \* تسلط بر شرق برای روم هم از جهت نظامی و هم از نظر زمانی آسان تر بود به دو دلیل :
  1. جنگ دائم میان دولتهای هلنستیک (سوریه، مصر، مقدونیه) قدرت این دولتها را تحلیل برده بود.
  2. رومی‌ها بدون اینکه خود مستقیماً با این دولتها وارد جنگ شوند با کمک نظامی به یک طرف درگیری موجب جنگ میان طرفین می‌شدند.

- \* بهانه یورش دوم به مقدونیه این بود که فیلیپ پنجم پادشاه مقدونی در جریان درگیری رومی‌ها و کارتاژها، از آنیبال حمایت می‌کرد.
- \* رومی‌ها در یک دیپلماسی ماهرانه وانمود کردند که هدف از تسلط بر یونان رهاسازی این کشور از سلطه مقدونی است زیرا رومی‌ها مدعی بودند که خود را وام‌دار یونان می‌دانند.
- \* «فلامی‌نیوس» سردار رومی که خود را عاشق یونان معرفی کرده بود با حمایت نیروهای یونانی وارد آتن شد و فالانژهای مقدونی را شکست داد و به سلطه صد و پنجاه ساله مقدونی بر یونان خاتمه داد.
- \* در آخرین جنگ فرمانروای رومی «مومیوس» وارد آتن شد و یونان، مقدونیه و اسپارت کاملاً به زیر سلطه رومیان رفت.
- \* مهم‌ترین جنگ خارجی رومی‌ها، جنگ‌های پونیک بود زیرا پیروزی بر کارتاژها، روم را به یک **قدرت بی‌رقیب** در حوزه مدیترانه تبدیل کرد.
- \* مهم‌ترین دولتهای شرقی از بقایای امپراتوری اسکندر و نزدیک‌ترین قدرت به روم، سوریه تحت حکومت «آنتیوخوس» بود. او آرزوی احیای امپراتوری اسکندر را در سر می‌پروراند.
- \* سوریه در جنگ «ترموبیل» در مقابل ائتلافی به رهبری روم شکست خورد. آنتیوخوس و آنیبال به آسیای صغیر فرار کردند.
- \* رومی‌ها در جنگ «مگنزی» رومی‌های آسیای صغیر را نیز تصرف کردند فرمانده رومی‌ها «سی‌پیون» بود.
- \* دولت روم اساساً یک دولت نظامی و هدف آن گسترده‌گی سرزمینی و تأسیس یک دولت جهانی با محوریت جنگجویی بود.
- رومی‌ها دو دوره متفاوت تاریخی را پشت سر گذاشتند: یکی دوره نخست که هنوز روح فردی و عدم وابستگی به مفهوم وطن‌پرستی بر آنان حاکم بود. دوم دوره‌ای که روح فردی رفته‌رفته جای خود را به روح جمعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی داد.
- \* هیچکدام از دولتهای باستانی همچون روم به آسانی از امتیازات طبقاتی دست نکشیدند.
- \* یکی از دلایل بقای دولت روم و طولانی شدن عمر او، همبستگی میهنی، عدم تعهد روم به دین واحد بود.
- \* یکی از شیوه‌های ماهرانه‌ای که روم بر سرزمین یا دولتی غالب می‌شد، کوچ بخشی از ساکنان به روم و فرستادن افراد رومی به عنوان مهاجر به ممالک تسخیر شده و تشکیل کلنی بود. این روش باعث می‌شد اهالی متصرفات نسبت به روم احساس بیگانگی و شورش نکنند. این روش را اسکندر آغاز کرد.

- \* اهمیت شورشهای روم در این بود که مقدمات فروپاشی نظام جمهوری را عصر عظمت روم بود فراهم آورد و روم وارد دوران جدیدی به نام «امپراتوری» شد. و به دیکتاتوری نظامی روی آورد.
- \* «لاتیفوندا» : زمینهای بزرگ کشاورزی که از طریق جنگ بدست می آمد یا از دولت اجاره می کردند.
- \* بخاطر گسترش امواج نارضایتی توده ها به پیشنهاد سنا برای جلوگیری از شورش و انقلاب برادران «گراکوس» دست به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی زدند.
- \* نخستین اقدام اصلاحی برادران گراکوس محدود کردن مالکیت برای جلوگیری از رشد نظام لاتیفوندا بود.
- \* اصلاحات سیاسی برادران گراکوس اعطای حق شهروندی بیشتر به شهریان باعث شد تا از قدرت شهروندان قدیمی کاسته شود و دولت شکل دموکراسی بیشتری بگیرد.
- \* چون اصلاحات برادران گراکوس به ضرر سناتورها بود دست به تخریب شخصیت آنها زدند و شایع کردند اقدامات آنها بر خلاف قوانین دوازده گانه است و آنها را به قتل رساندند.
- \* پس از مرگ گراکوس جمهوری هیچگاه ثبات سیاسی خود را باز نیافت. شکست اصلاحات گراکوس نشان از عمق بحران سیاسی و اقتصادی روم می داد.
- \* ژرمن نامی است که رومیان به ساکنان هند و اروپایی سواحل رودهای «رن» و «دانوب» دادند. برای نخستین بار نامی از ساکنان اولیه ژرمن در منطقه اسکاندیناوی در تاریخ اروپا مطرح شده است.
- \* در زمان مهرداد دوم (اشک نهم) بزرگترین شاه پارتی، ایران عملاً در برابر روم به مقاومت برخاست.
- \* نخستین ارتباط میان رومیان و ایرانیان در عصر اشکانیان برقرار شد. «لوسیوس سولا» از طرف سنا به عنوان سفیر روانه آسیای صغیر شد. «ارباد» هم از طرف مهرداد دوم نزد سولا رفت.
- \* در زمان اشک یازدهم (فرهاد سوم) نیز یکی از فرماندهان ارشد روم به نام «پومپه» به عنوان سفیر عازم آسیای صغیر شد و ارمنستان را دست نشانده روم کرد.
- \* نخستین جنگ روم و ایران در زمان «ارود اول» اشک سیزدهم رخ داد و به پیروزی ایران منجر شد.
- \* کراسوس یکی از رؤسای سه گانه از طرف روم و سورنا یکی از فرماندهان لایق ایران در منطقه حران با یکدیگر روبرو شدند. کراسوس و پسرش در این جنگ کشته شدند و قرارداد متارکه ای به امضاء رسید.

پس از ناکامی برادران گراکوس در انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، به تحریک سناتورها و اشراف صاحب لاتیفوندا که بر شهر رم حکومت می‌کردند، شهرها و روستاهای تابع شهر رم که از تمام حقوق اجتماعی و سیاسی محروم بودند، اتحادی به نام «کنفدراسیون پنهانی ایتالیا» علیه فرمانروایان جبار شهر رم تشکیل دادند و شهر رم دستخوش جنگ داخلی شد و بالاخره به سقوط «جمهوری» و استقرار «امپراتوری» منجر گردید.

- \* از جمله اقدامات سیاسی «لیویوس دروسوس» برای جلوگیری از سقوط جمهوری تساوی اعضای سنا بود.
- \* بعد از کشته شدن دروسوس، کنفدراسیون به تلافی آن یکی از پره‌تورها را کشت و جنبش کنفدراسیون که تا آن زمان پنهانی بود علنی شد.
- \* فرماندهی سپاه روم را علیه شورش ایتالیایی‌ها و ایلات شرقی «لوسیوس کرنلیوس سیلا» برعهده داشت.
- \* پس از جنگ اجتماعی شهر **رم رسماً پایتخت دولت ایتالیا** شد و اشرافیت ایتالیا به صفوف «اوپتیمات‌ها» و شوالیه‌ها پیوستند.
- \* بعد از پیروزی سیلا بر کنفدراسیون و برقراری امنیت سنای روم او برای سرکوب شورش‌های شرقی تحت رهبری «میتريدات» و یونانیان برگزید.
- \* اختلاف بر سر انتصاب سیلا (منتخب سنا) و ماریوس (منتخب اوپتیمات‌ها) مبارزات جدیدی را به وجود آورد که به موضوع «فوروم» کشیده شد و احزاب سیاسی را در مقابل یکدیگر قرار داد.
- \* سیلا بنیان‌گذار دیکتاتوری نظامی برده‌دار (82 ق. م) در روم بود.
- \* پس از مرگ سیلا حکومت سه نفره در سال 60 ق. م برقرار شد. (ژول سزار - پمپه - کراسوس)
- 1. ژول سزار به مدت پنج سال حکومت گل (فرانسه) ناربونی در مرکز و گل شرقی را به عهده گرفت.
- 2. پمپه با دختر سزار به نام ژولی ازدواج کرد و بر اسپانیا حاکم شد.
- 3. کراسوس نیز فرمانروایی سوریه را به عهده گرفت.
- \* کراسوس در جنگ با پارتی‌ها در نزدیکی «کاره» شکست خورد و کشته شد.
- \* با کشته شدن کراسوس حکومت سه نفری بهم خورد و سزار و پمپه نیز در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند.
- \* سزار در جنگ با بلژها و ونت‌ها که از اقوام آرموریک بودند برای نخستین بار اقدام به تأسیس نیروی دریایی در شمال روم کرد و این اقوام را شکست داد.

- \* سزار در روم حکومت سلطنتی برقرار کرد و پیشوایی مذهبی را نیز به عهده گرفت.
- \* سزار بر نهادهای سیاسی نظامی مذهبی و اقتصادی به عنوان یک پادشاه دیکتاتور مسلط شد و در روم عنوان «سزاریسم» به خود گرفت. در نظام سزاریسم یک پادشاه به کمک سپاهیان و ملت سلطنت می‌کرد.
- \* سزار تقویم جدیدی به نام تقویم «ژولین» تنظیم کرد و اول سال از اول مارس به اول ژانویه انتقال یافت.
- \* توطئه علیه سزار تحت رهبری «بروتوس» و «کاسیوس» شکل گرفت.
- \* با کشته شدن سزار در یازدهم مارس 46 ق.م اوکتاو پسرخوانده‌اش با غلبه بر آنتوان جانشین او شد. و سیاست‌های او را دنبال کرد.
- \* در قیام اسپارتاکوس که از سالهای 73 تا 71 ق.م ادامه داشت گلاادیاتورهای غیررومی و لژیونرهای میتريدات لوسینوس کراسوس قهرمان نبرد دورازه کولین و آخرین هم‌رزم سیلا اسپارتاکوس را شکست داد.
- \* با ترور ژول سزار یکبار دیگر آرزوی استقرار جمهوری آریستوکراتیک جان گرفت.
- \* دومین حکومت سه نفری (تریوم ویرات) بعد از ژول سزار تشکیل شد. (لیپید - اوکتاو - آنتوان)
- \* سپاهیان به دو دلیل به حکومت سه نفری رأی دادند : یکی نگران قدرت گیری الیگارشی سنا بودند. دوم دولوایس احیاء سزاریسم بودند.
- \* جنگ «فیلیپس» به عصر جمهوری پایان داد.
- \* دستگاه و روش اداری اوکتاو که با سیاست خاص و با آرامی در صدد حذف تدریجی رقبای خود بود به «حکومت دوگانه» شهرت داشت. یعنی حکومتی که متکی بر دو مرجع بود : یکی خود او دیگری سنا.
- \* حکومت سه نفری : مغرب به اوکتاو - مشرق به آنتوان - افریقا به لیپید واگذار شد. (سیسیل و ساردنی به «سکستوس» پسر پمپه
- \* ژولیوس سزار بانی امپراتوری روم بود. بنیاد امپراتوری آگوست در عصر او پی‌ریزی شد.
- \* آگوست نظام سیاسی روم را از جمهوری به آرامی به امپراتوری تبدیل کرد. این تغییر شکل سیاسی و بی‌توجهی نهادهای قدرت ناشی از این بود که همه از ادامه جنگ و هرج و مرج خسته شده بودند. به این دلیل شکل حکومت و نه شخص حاکم برایشان اهمیت داشت.
- \* شهروند درجه یک ، امپراتور خدمتگذار و به پیشنهاد سنا «امپراتور خجسته» فرزند قیصر - خدا از القاب آگوست بود.

- \* «دوران صلح رومی»: بعد از کشته شدن «واروس» ژنرال آگوست در جنگ «توتوبورگ» تا سال 180 میلادی
- \* جنگ پروز: شورش صاحبان املاک به خاطر مصادره اموالشان توسط اوکتاو بود.
- \* اوکتاو نخستین سپاه دائمی اما مزدور را در دولت روم تأسیس کرد. او عنوان امپراتور را بر خود گذاشت.
- \* گاهی برای اوکتاو به جای امپراتوری اصطلاح حکومتی «پرنسپات» را برای او بکار می‌بردند.
- \* اوکتاو در سال 19 ق.م عنوان «کنسول واقعی» گرفت و دوازده لیکتور برای خود برگزید. از سال 12 ق.م مقام عالی روحانیت را نیز اشغال کرد. او به شخص اول به اصطلاح جمهوری تبدیل شد و سپس عنوان «آگوست» را برای خود برگزید.
- \* اصطلاح «صلح رومی» از یادگارهای دوره آگوست است که دو قرن دوام داشت. طولانی‌ترین مدتی است که در تاریخ امپراتوریها جنگی رخ نداده باشد.
- \* برخی اقدامات اوکتاو تا انقلاب فرانسه باقی ماند از جمله تنظیم قوانین، تأسیس ارتش دائم و طبقاتی کردن جامعه
- \* **هادریان** برای جلوگیری از پیشروی اقوام **اسکاندیناوی (نورمن‌ها یا وایکینگ‌ها)** دیواری در شمال بریتانیا و **اسکاتلند** کشید.
- \* آگوست سیاست داخلی خود را روی چند محور اصلی تنظیم کرد تا فضا را برای خود حفظ کند:
  1. تحکیم نظام جمهوری به شکل حداقلی، مخصوصاً حفظ قدرت سنا
  2. احیاء نظام جمهوری به شکل حداقلی، مخصوصاً حفظ قدرت سنا
  3. احیاء افتخارات گذشته روم در مقابل چشمان مردم
  4. برای تحکیم مبانی خانواده به عنوان زیرساخت یک جامع پابرجا تنظیم کرد.
  5. بار دیگر روح‌دین‌داری و تقیدات مذهبی را که یکی از ارکان حکومت و تمدن باستانی بود احیاء کرد.
  6. بنیادهای اقتصادی و حمایت از بازرگانان را تقویت کرد زیرا یکی از دلایل استقرار «صلح رومی» تضمین تجارت بود.
- \* «انه‌ئید» اثر ویرزیل شاعر وطن پرست و عاشق عظمت روم
- \* آگوست در جایگاه «شاهی – خدایی» به رسم شاهان ایرانی به تخت نشست و بر مذهب هم حکومت کرد.
- \* «دروسوس» و «تیبیریوس» دو پسر خوانده آگوست، پیروزی‌های نظامی توسط آنها صورت گرفت.

\* جامعه روم به دو دلیل در آستانه سقوط قرار گرفت :

1. خستگی از جنگهای مکرر و طولانی و بی‌انگیزه شدن نسبت به حسن وطن‌پرستی

2. شیوع روحه اشرافیت برده‌داری و تن‌پروری و تجمل‌گرایی ناشی از رشد فرهنگ سوداگری

\* عصر جمهوری از 510 ق.م تا 27 ق.م ادامه یافت و بیشترین عمر حکومت را در تاریخ سیاسی روم داشت.

\* امپراتوران ژولیان : آگوست (سردسته امپراتوران ژولیان) – تیبریوس – کالیگور – کلودیوس – نرون

\* امپراتوران فلاویان : وسپازیان – تیتوس – دومی سیان

\* امپراتوران آنتونین‌ها (امپراتوران خوب) : نروا – تراژان – آدریان – آنتونینوس پیوس – مارکوس اریلیوس

\* نرون یکی از بدنام‌ترین امپراتوران روم است که رم را به آتش کشید و مادر و زنش را کشته بود.

\* «نروا» گزینش امپراتور را از حالت وراثتی لغو کرد و تعدادی از نظامیان و سیاستمداران را که صاحب لیاقت و کاردانی بودند جمع‌آوری کرد و آنان را به فرزندی پذیرفت.

\* این رویه چهارتن امپراتور کاردان را به تخت نشاند : «تراژان» «هادریان» «آنتونین پیوس» و «مارک اورل» که شیوه حکومت آگوست رعایت شد. در این دوران امپراتور مقام سرراهب اعظم را نیز در اختیار داشت. در این دوره «کیش امپراتور» پرستی نیز ادامه پیدا کرد.

\* مرگ ناگهانی «گرمانیکوس» برادرزاده و پسرخوانده امپراتور تیبریوس موجب بدنامی او شد زیرا مردم معتقد بودند که «گرمانیکوس» کسی است که در پی احیاء جمهوری است.

\* بعد از مرگ تیبریوس، «گایوس» پسر گرمانیکوس توسط سنا امپراتور شد و بعداً به گالیگولا (چکمه کوچک) شهرت یافت.

\* گالیگولا عاشق آداب و رسوم مصر بود به صوری که پرستش «ایزیس» را در روم رسمی کرد. او علاقمند بود پایتخت را به شهر اسکندریه منتقل کند.

\* نرون تحت تأثیر معلم خود سنکا با موازین رواقی آشنا شد و از سوی دیگر از لذت‌پرستی مکتب اپیکوری بهرمنند گردید.

نفرت‌انگیزترین کار نرون این بود که برای زیباسازی شهر رم و تخریب محله‌های کهنه در سال ۶۴ م دستور داد «سیراکوس ماکسیموس»<sup>۱</sup> را که میدان بزرگ بازی و تفریح مردم در تپه‌های پالاتین بود به آتش کشیدند. در این کار صدها آثار زیبای معماری و حجاری از بین رفت، هزاران خانه ویران و ساکنان آن سرگردان شدند و بسیاری از معابد و کنیسه‌ها و کلیساها نیز طعمه آتش شد. \*

\* امپراتوران روم عموماً تا قبل از «کنستانتین» خصومت عمیقی نسبت به مسیحیان داشتند که البته تحریکات یهودیان در آزار مسیحیان بی تأثیر نبود.

\* در زمان امپراتوری تیبریوس و با پیشکاری پونتیوس پیلاتوس حضرت عیسی مسیح به صلیب کشیده شد.

\* نرون با اشکانیان پیمان صلح قرارداد حسن همجواری امضاء کرد که پنجاه سال معتبر باقی ماند.

\* نظام سیاسی روم بر پایه فلسفه رواقی تابع آرمان «جهان وطنی» بود.

\* در روم به جای علم و فلسفه، هنر به ویژه معماری و مجسمه‌سازی رشد کرد و این به علت توسعه بازرگانی و تجارت رده بود که باعث ظهور الیگارش‌ی جدیدی شد.

\* شرایط کلی روم امکانات ظهور و رشد اندیشه‌ورزی و خردآفرینی را نداشت و پاسخ کلی همه این مشکلات عبارت از فقدان امنیت فردی و عمومی و تسلط حوزه عمومی بر حوزه خصوصی و نظامی شدن مناسبات اجتماعی و کشش قشرهای میانه جامعه به جای فلسفه به سوی تجارت و سوداگری و رباخواری بود.

\* «پوزیدونیوس» فیلسوف و مورخ یونانی از به دفعات از رم دیدن کرد او استاد پمپه، سیسرون، وارون بود.

\* **سیسرون** در کتابهایش اندیشه‌های فلسفی یونان را به زبانی ساده و قابل فهم عموم بیان کرده است. او آثاری به تقلید «جمهوریت» افلاطون و «توسکولان‌ها» فلسفه رواقیون تألیف کرد.

\* سیسرون دچار نوعی فلسفه التقاطی شده بود. او تحت تأثیر فلسفه افلاطون و ارسطو بود.

\* در امور مذهبی زئوس یونانی به نام ژوپیتر رمی ظاهر شد.

\* معبد بزرگی در رم به نام «پانتئون» وجود داشت که تندیس همه خدایان جهان در آن قرار داشت.

\* تندیس امپراتور تجسمی از ژوپیتر خدای خدایان به حساب می‌آمد.

\* رومیان صاحب ثروت که از آیین‌های کهن خسته شده بودند بیشتر به فلسفه اپیکوری روی آوردند. زیرا این فلسفه به استدلال‌هایی که بی تفاوتی در برابر ادیان کهن و قید و بندهای خرافاتی را توجیه می‌کرد با دیده اقبال می‌نگریست.



- \* بهترین اثر فلسفی رومیان که متأثر از فلسفه اپیکوری است منظومه «درباره طبیعت چیزها» اثر «لوکرتیوس» است. این اثر همچنین تحت تأثیر فلسفه اتمی دموکریت نیز قرار گرفته است.
- \* فلسفه‌ای که بیشتر با روح رومیان سازگاری داشت فلسفه رواقی بود که دقیقاً نقطه مقابل فلسفه اپیکوری است. فلسفه رواقی به راه و رسم‌ها و آیین‌های کهن احترام می‌گذاشت و مورد پسند طبقه اشرافیت بود.
- \* نماد و مظهر بارز فلسفه رواقی «سنکا» است. او اسپانیایی بود اما بیشتر عمر خود را در رم گذراند. او آموزگار نرون بود. او می‌خواست با قواعد فلسفی به جنگ پیچیدگی‌های اخلاقی جامعه رومی برود که به اتهام دسیسه علیه نرون او را محکوم به مرگ کردند.
- \* شهرت «سنکا» بیشتر ناشی از تراژدی‌های اوست که «مدیا» مشهورتر از بقیه است.
- \* سنکا در مرکز مثلثی قرار داشت که سه ضلع آن تمدنهای هلنی، رومی و مسیحی بود.
- \* عده‌ای معتقدند سنکا مسیحی بوده و با «سن پل» شارع مسیحیت مکاتبه داشته است.
- \* «لیویوس» نویسنده تاریخ روم که در خدمت صاحبان قدرت قرار گرفت.
- \* نخستین ره‌آوردهای ادبی رومیان ترجمه‌های ابتدایی ایلید و اودیسه هومر بود. سپس هنر کمدی‌نویسی که شگر رومیان است باز هم تقلیدی از نمایش‌نامه‌نویسان یونانی است.
- \* تنها شخصیتی که در روم با هنر ادبی و فن بیان به سراغ فلسفه و سیاست رفت سیسرون بود. او وامدار اندیشه یونانی بود و اندیشه و ذوق مستقلی نداشت و نوعی تفکر التقاطی مطرح کرد. سیسرون سرآمد سخنوران زمان خود بود که به پشتوانه همین هنر رهبری سنا را برعهده گرفت.
- \* سیسرون رساله‌ای تحت عنوان «درباره سخنوری» نوشت. فلسفه سیاسی سیسرون در دو رساله «پیرامون دولت» و «پیرامون قانون» بیان شده است.
- \* رساله پیرامون دولت سیسرون بیشتر تحت تأثیر ارسطو و رساله قوانین متأثر از افلاطون است.
- \* در روم مهمترین حربه سیاسی، ادبی، داشتن فن بیان برای خطابه‌سرایی در جهت دفاع از خود بود.
- \* ویرژیل برجسته‌ترین ادبی و شاعر رومی در تاریخ ادبیات اروپا سخنگوی عصر جمهوری روبه مرگ و امپراتوری در حال زایش روم بود.
- \* چهار نویسنده بزرگ: هومر، دانته (کمدی الهی)، میلتن (بهشت گمشده) و هوراس (هجویات)
- \* ویرژیل در کتاب مجموعه اشعار خود به نام «سروده‌های چوپانی» تولد کودکی را پیشگویی می‌کند که دوران صلح و خوشبختی را برای جهان به ارمغان می‌آورد که احتمال می‌دهند نظر او آگوست بوده است.

- \* شاهکار ویرژیل «انهئید» است که در زمینه ادبیات حماسی اروپا بعد هومر قرار دارد.
- \* قهرمان کتاب انهئید «آینیاس» است که شهر رم را می‌سازد. در این اثر او پیش‌بینی می‌کند که رم بر همه اقوام فرمان براند.
- \* هوراس بعد از مرگ ویرژیل بزرگترین شاعر روم شد که به «امیر شاعران» شهرت یافت. او مداح و ستایشگر آگوست است.
- \* کتاب هنر دوست داشتن اثر اووید شاعر است. اثر مشهور او «اورئید» است.
- \* جاده‌های سنگ‌فرش از ابداعات رومیان است.
- \* معماری رومی بر پایه طاق ضربی قرار داشت که ستون کمتری به کار می‌رفت در حالی که اساس معماری یونانی بر ستون سنگی بود.
- \* اختلاف در معماری یونانی و رومی این بود که یونانیان هنر معماری را در ساختن هیكل‌ها و معابد به کار می‌بردند که این نشانه اهمیت داشتن دین در میان یونانیان بود. در حالی که معماری رومی بیشتر در خدمت ساختمان‌های دنیایی مثل سنا و تئاتر و ورزشگاه قرار داشت.
- \* گنبد معروف «پانتئون» به فرمان هادریان در ساخته شد.
- \* ورزشگاه بزرگ «کولوسوم» یا کولسئوم محل مسابقات «گلادیاتورها» 45000 نفر تماشاچی را جا می‌داد.
- \* رومیان در بهترین آثار معماری خود سنن نزدیکی به حقیقت خارج را که از دنیای هلنی به ارث برده بودند، حفظ کردند.
- \* مشهورترین معمار رومی «ویتروویوس پالیو» بود که کتاب معروف «درباره معماری» اثر اوست.
- \* معبد «فورتا ناویریلیس» که به خدای بندرگاهها اهداء و در قرن دوم ق.م بنا شده هنوز پابرجاست.
- \* یکی از کاربری‌های معابد در روم حفظ آتش مقدس بود به ویژه در معبد «سیبیل» که خاص آتش مقدس بود.
- \* رومیان بیشتر از آنچه تحت تأثیر معماری یونانی قرار گرفتند در هنر مجسمه سازی از آنها تقلید می‌کردند.
- \* رومیان در پیکر تراشی از یونانیان و مصریان تقلید و پیروی می‌کردند.
- \* رسم ساخت پیکره از رهبران بزرگ سیاسی و نظامی حدوداً هزار سال دوام داشت که تحت تأثیر تمدن هلنی بود.
- \* پیکر تراشی در یونان بر پایه احساس و در روم از واقعگرایی پیروی می‌کرد.

- \* پس از مرگ اسکندر و تقسیم امپراتوری، اسکندریه در شمال مصر از نظر علمی اهمیت بیشتر پیدا کرد. به ویژه در دوره بطلمیوسیان بستر کشش علمی به سوی اسکندریه فراهم شد.
- \* پس از سقوط یونان توسط رومیان بقایای فلاسفه یا در رم اقامت گزیدند و یا رهسپار اسکندریه شدند و «مکتب اسکندریه» را پی‌ریزی کردند.
- \* برای نخستین بار در اسکندریه فلسفه به عنوان جامع جمیع علوم دچار تجزیه شد و علوم طبیعی جنبه تخصصی پیدا کرد. در اسکندریه طب، نجوم و ریاضیات مرکزیت پیدا کرد.
- \* بطلمیوس سوتر کتابخانه عظیمی در اسکندریه تأسیس کرد و جانشینانش در کنار آن موزه معروف به مرکز گردهمایی دانشمندان تبدیل شد. این مجموعه به «موسئوم» شهرت یافت.
- \* مکتب اسکندریه جنبه جهان وطنی یافت زیرا تمایل شدیدی نسبت به افکار شرقی در آن به چشم می‌خورد.
- \* آخرین شکل فلسفه یونانی، یعنی شکلی از این فلسفه که هنگام انتقال آن از یونان به جهان غرب، در مردم یونان تأثیر فراوان گذاشت، «فلسفه نوافلاطونی» است. این آخرین پیروزی روح فلسفی یونانی است.
- \* ریشه مکتب نوافلاطونی به فیثاغورث از مردم ساموی یا شهر صور می‌رسد.
- \* از جمله موضوعاتی که فیثاغورث در مصر آموخت عقیده به تناسخ ارواح بود.
- \* محفلی که فیثاغورث در بازگشت از مصر در سیسیل ایتالیا تأسیس کرد برپایه اصل برادری و برابری و تفکر اشتراکی بود. در این محفل آیین «اورفئوسی» به عنوان جهان‌بینی اعضاء مطرح شد.
- \* مکتب نوافلاطونی توسط «فلوطين» مصری پایه‌گذاری شد. این مکتب نزدیکی کامل با فلسفه افلاطونی داشت. فلوطين از شاگردان برجسته «آمونئوس ساکاس» بود. تعالیم وی از بسیاری جهات مشابه «فیلون» یهودی است.
- \* فلوطين هنگام جنگ شاپور و گردیانوس به ایران آمد. وی سالک و مرتاض بود و گاهی فلسفه او را به «حکمت اشراق» و عرفان می‌شناسند. او وحدت وجودی بود. چهار مرحله حس، عقل، اشراق و کشف و شهود
- \* مکتب نوافلاطونی **چارچوب فلسفه مسیحیت** را ساخت. سن‌اگوستین به عنوان مؤسس فلسفه مسیحیت از دستگاه افلاطون به عنوان پاکترین و روشن‌ترین دستگاه فلسفی نام می‌برد.
- \* فلوطين به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تشکیل فلسفه مسیحیت قرون وسطایی و الهیات کاتولیکی دارای اهمیت تاریخی است.
- \* گرچه علم ریاضی توسط فیثاغورث پایه‌گذاری شد ولی به عنوان یک علم مستقل در اسکندریه و توسط «اقلیدس» مورد توجه قرار گرفت.

- \* اقلیدس یکی از دانشمندان اوایل مکتب اسکندریه است به طوری که «موسئوم» را به صورت زادگاه تحقیقات ریاضی درآورد. او بنیاد علمی هندسی را پی‌ریزی کرد.
- \* بطلمیوس در آتن و اسکندریه هر دو تدریس می‌کرد. کتاب معروف وی «منظومه ریاضی» نام دارد. و کتاب دیگر به «مگیستی» و عربی آن «المجسطی» شهرت دارد. مگیستی سیزده کتاب است که به آن «مگال سنیتاکسیس» می‌گویند.
- \* بطلمیون در حوزه نجوم و جغرافیا مورد توجه متفکران مسلمان بود. کتاب جغرافیای او مبنای «کتاب صور الارض» خوارزمی است. حجاج بن یوسف بن مطر المجسطی و ابویحیی البطریق روابع او را ترجمه کرده‌اند.
- \* جالینوس پس از بقراط بزرگترین و مؤثرترین پزشک دوره باستان است. کتاب معروف او «کلمات قصار یا فصول» است. حنین بن اسحاق آن را به عربی ترجمه کرده است.
- \* از دلایل افول مطالعات پزشکی ممنوعیت علم تشریح در دیانت یهود و نفوذ مقامات مسیحی در دستگاه‌های دولتی روم بود.
- \* پزشک معروف دیگر «اوریباسیوس» از دوستان امپراتور ژولیانوس بود.

### اوضاع سیاسی و اجتماعی امپراتوری

- \* اشراف و شوالیه‌ها این دو طبقه مهمترین گروه‌های صاحب قدرت بودند که بر سنا و سپاه حکومت می‌کردند.
- \* توده‌ها بعد از جنگ‌های اجتماعی حقوق شهروندی کسب کردند و دارای حق رأی و حق انتخاب شغل شدند.
- \* «تهیدستان» در رقابت‌های سیاسی به گروه ملی شهرت داشتند و در مجمع ملی (کومی‌تیا) و دولت‌مندان یا سناتوران در مجلس سنا جمع می‌شدند.
- \* علت فزونی جمعیت شهرنشینی فرار روستائیان به دلیل ناتوانی در پرداخت مالیات بود.
- \* گروه ملی تحت رهبری دو برادر «تی‌بریوس» و «گراشوس» تلاش می‌کردند تا مالیکیت اراضی سناتوران را محدود و زمینهای متعلق به دولت را نیز میان تهیدستان تقسیم کنند. ولی آنها شکست خوردند.
- \* گروه ملی بار دیگر به رهبری ماریوس که اقدام به اصلاحات نظامی کرد رفته رفته قدرت را از دست سنا خارج کردند و به دست نظامیان افتاد. وقتی ماریوس کناره‌گیری کرد یکی از نیروهای او به نام «کرنلیوس سولا» به جنگ‌های اجتماعی پایان داد و از همین راه شهرت فراوان یافت.
- \* از ترکیب پاتریسین‌ها و پلبین‌ها که ثروتی به هم زده بودند طبقه جدید «اوپتیمات» به وجود آمد. در مقابل این طبقه ثروتمند که ثروتی متکی بر زمین یا کالا یا پول داشتند طبقه فقیر «پوپولار» ظاهر شد.

\* سمبل اشرافیت و تبار اشرافی «شمشیر» بود.

- \* تولید گندم در مصر و بین‌النهرین و ارزانتر از روم بود و آنها بیشتر به کشت زیتون و انگور می‌پرداختند.
- \* کشت گندم در ایتالیا نسبت به متصرفات گرانتر تولید می‌شد. بیشتر از مصر و سایر متصرفات تهیه می‌شد.
- \* اقتصاد روم نوعی تجارت آزاد بود که به واسطه مالکیت دولت بر منابع طبیعی، تعدیل شده بود.
- \* مهمترین عامل و محرک جنگهای روم بازرگانان بودند که با سناتورها و امپراتوران روابط نزدیکی داشتند.

## روند سقوط امپراتوری

- \* دوران عظمت امپراتوری در سال 180 م با مرگ مارک اورل به پایان رسید.
- \* یکی از دلایل زوال امپراتوری، بروز بحران جانشینی در نظام امپراتوری بود.
- \* امپراتوران بعد از آگوست تصمیم گرفتند برای حفظ و شکوه عظمت امپراتور جمعی از نخبگان سیاسی و نظامی را گرد هم آورند و با مطالعه فرد لایق را به عنوان امپراتور انتخاب کنند که این رویه به عمر آن افزود.
- \* مارک اورل به واسطه غرور بی‌جا و پدرانۀ فرزندش «کومودوس» را به جانشینی انتخاب کرد و بار دیگر اصل جانشینی بر پایه وراثت جای خود را به اصل جانشین براساس لیاقت داد.
- \* بعد از مرگ کومودوس اختیار انتخاب امپراتوران به دست گروهها نظامی افتاد.
- \* «دیوکلسین» یکی از فرماندهان نظامی با تمرکز قدرت در دست خود و یارانش حکومتی به سبک نظامهای سیاسی شرقی ایجاد نمود. پس از مرگ او نایب او «گالیریوس» همان روش اصلاحات را ادامه داد.

## اقدامات دیوکلسین

1. از بین بردن تعادل میان حکومت مرکزی و عدم مرکزیت و تعادل بین امپراتوران و سیویتات
  2. حدود هر شهرستان را تقلیل داد. در نتیجه تعداد شهرستانها دو برابر شد از 45 به 101 شهرستان رسید.
  3. امپراتوری را به بخش شرقی و غربی تقسیم کرد. و پایتخت نیمه غربی را از شهر رم به میلان انتقال داد.
- \* دلیل سیاسی انتقال پایتخت این بود که دیوکلسین می‌خواست مرکز قدرت را به شمال ایتالیا ببرد تا در صورت حمله ژرمن‌ها مجبور نشود در رم که مرکز حکومت قدیمی و صاحب آثار ارزشمند است مبارزه کند.
  - \* کنستانتین پایتخت شرقی را در شهر قدیمی یونانی یعنی «بیزانتیوم» قرار داد.

- \* **دلیل عمده تجزیه و تقسیم امپراتوری روم به شرقی و غربی، ترس و نگرانی رومیان از همسایگی با امپراتوری قدرتمند ایران به خصوص در دوره شاپور اول بود.**
- \* **نخستین جنگ ایران و روم در عصر شاپور اول ساسانی رخ داد. که گردین امپراتور روم بود. رومیان علیه او شورش کردند و او را کشتند و «فیلیپ عرب» را به جای او انتخاب کردند. و او با شاپور اول قرارداد صلح امضاء کرد و ارمنستان و بین‌النهرین به ایران واگذار شد.**
- \* **جنگ دوم شاپور با رومیان (258 تا 260) منجر به اسارت «والرین» شد.**
- \* **در زمان شاپور دوم (ذولاکتاف) جنگ میان ایران و ژولیان اتفاق افتاد که ژولیان با زوبین یک سپاهی ایرانی کشته شد.**
- \* **تئودوز در سال 395 برای آخرین بار امپراتوری روم را میان دو فرزندش تقسیم کرد. بخش شرقی به مرکزیت بیزانس و با نام امپراتوری روم شرقی به «آرکادیوس» و بخش غربی به مرکزیت روم (پایتخت ایتالیا) و با نام امپراتوری روم غربی را به «هونوریوس» واگذار کرد.**
- \* **این تقسیم و تجزیه مکرر نشان می‌دهد که رومیان از یک سو نگران قدرت روزافزون ژرمن‌ها و حضور گسترده آنان و در واقع روم غربی را از دست رفته تلقی می‌کردند.**
- \* **کنستانتین بخش روم غربی را در سندی به نام «عطیه کنستانتین» به پاپ اهدا کرده است.**
- \* **روم غربی در سال 476 به دست ژرمن‌ها سقوط کرد. اما امپراتوری روم شرقی خصوصاً در قرن ششم توسط ژوستینیان به قدرت جهانی تبدیل گردید و در قرن یازدهم مسیحیت ارتدوکس را پایه‌گذاری کرد.**
- \* **نخستین امپراتوری که به طور رسمی و علنی از وجود ژرمن‌ها به عنوان مزدور نظامی استفاده کرد دیوکلسین بود**
- \* **از زمان دیوکلسین و کنستانتین تا فروپاشی امپراتوری روم غربی در سال 476 م. دو نهاد جدید زمان امور دنیای مدیترانه را در دست گرفتند یکی دستگاه کلیسای کاتولیک و دیگری اقوام ژرمن از پیوستگی این دو نهاد عهد باستان یونان و روم به پایان رسید و قرون وسطی آغاز شد.**
- \* **کنستانتین شهر بیزانس را به عنوان پایتخت امپراتوری اعلام کرد و نام «کنستانتینوپل» را بر آن نهاد.**
- \* **کنستانتین برای ساماندهی نظام استبدادی خود و خاتمه دادن به هرج و مرج داخلی اقدام به اجرای دو سیاست کرد :**

1. رضایت اشراف برده‌دار را جلب کرده و برای شورش و نافرمانی علیه اشراف مجازات اعدام در نظر گرفت. هر نوع تغییر شغل و حتی تغییر کار برای تمام مشاغل ممنوع شد. این سیاست باعث شد جامعه به حالت سکون و ایستایی درآمد.

2. برای جلوگیری از رشد مذاهب خرافی و متوقف کردن جنگهای دینی به تقلید از اردشیر بابکان تصمیم گرفت مسیحیت را به عنوان دین واحد انتخاب کند.

### \* دلایل انتخاب مسیحیت به عنوان دین واحد توسط کنستانتین :

1. دلجویی از مسیحیانی که در دوره دیوکلسین قتل عام شده بودند.

2. مسیحیت پیروان زیاد داشت و آنها صاحب امکانات اقتصادی و فرهنگی بودند. می توانستند حامی او باشند.

3. مسیحیت یک دین یکتاپرست و آخرت گرا بود و پیروان خود را به دوری از دنیا دعوت می کرد.

4. کنستانتین در جنگ با رقبای خود رسماً از طرف کلیسای کاتولیک حمایت همه جانبه می شد.

\* کنستانتین در سال 313 میلادی به اتفاق «لوسینوس» شریک پادشاهی فرمان میلان را صادر کردند. به موجب این فرمان اجرای مراسم مذهبی در مورد همه ادیان از جمله مسیحیت کاملاً آزاد شد. حتی به مسیحیان اجازه داده شد برای جبران خسارت ناشی از تخریب بناها و مصادره زمینها و اموال خود در دوران «تعقیب بزرگ» از حکومت غرامت دریافت کنند.

\* کنستانتین علیرغم اینکه خشن و بی رحم بود نسبت به کلیسای مسیحی رفتاری ملاطفت آمیز داشت. او قصر «لاتران» را به اسقف اعظم هدیه کرد.

\* کنستانتین با همکاری مادر خود هلن در فلسطین اقدام به ساخت کلیسا کرد و مقابر انبیاء یهود را مرمت کرد.

\* هر چند کنستانتین هیچگاه مسیحی نشد ولی از کلیسا عنوان «روحانی بزرگ» را دریافت کرد.

\* کنستانتین در شورای نیسه یا نیقیه شرکت کرد. این شورا صحنه مجادلات حاد الهیون درباره «وحدت جوهری» یا مشابهت پدر و پسر بود. او در سال 337 مرد در حالیکه از کلیسه عنوان «کبیر» گرفت.

### دلایل سقوط امپراتوری

1. بحران سیاسی: از زمانی شدت گرفت که یک بار دیگر اصل وراثت به جای اصل شایستگی در گزینش امپراتوران به اجرا درآمد.

2. بحران اقتصادی: بیشتر از زمان کنستانتین اوج گرفت، زیرا وی طبقه اشرافیت جدیدی را بوجود آورد و مالکیت آنان را بر زمین و بردگان تضمین نظامی کرد. جنبش بردگان و هجوم پراکنده ژرمن ها به بحران

اقتصادی دامن زد. مناسبات اقتصادی اجتماعی «سرواژ» که پایه‌های نظام فئودالیسم را در قرون وسطی تشکیل می‌داد در قرن چهارم شکل گرفت.

3 بحران نظامی: با دوره امپراتوری شروع شد و در عصر کنستانتین گسترش یافت. نظامیان به دو بخش شهری و مرزی تقسیم شدند. اشتباه بزرگ کنستانتین این بود که نظامیان مرزی را به داخل شهر آورد و برای جلوگیری از خیانت این نظامیان مزدورانی حتی از عناصر ژرمن را مأمور حراست از مرزها کرد.

\* سن آگوستین مؤسس فلسفه مسیحیت و مؤلف رساله «شهر خدا» است.

\* مسیحیان در هدایت و حمایت ژرمن‌ها برای تسخیر رم نقش پراهمیتی داشتند.

\* ماکیاول فیلسوف سیاسی عصر رنسانس در رساله جنجالی «شاهزاده» مسیحیت را به دلیل دمیدن روح بی تفاوتی در مردم روم در مقابل هجوم ژرمن‌ها سرزنش می‌کند.

\* ادوارد گیبون مورخ برجسته انگلیسی در کتاب «علل عظمت و انحطاط روم» سقوط امپراتوری را نتیجه عمل متولیان کلیسا می‌داند.

\* هیچ تمدنی به اندازه یونان روی تمدنهای دیگر اثر فرهنگی مثبت نگذاشته است.

\* رومیان با سه شکل حکومت (پادشاهی، جمهوری و امپراتوری) از 750 ق.م تا 1453 طولانی‌ترین عمر حکومت را در تاریخ بشر بدست آوردند.

\* تمدن رومیان نقش واسطگی در تبادل فرهنگ و تمدن یونان و شرق داشت.

ژنومورها: تهیدستان شهری	اوپاتریدها: اشرافیت برده‌دار
ایلوت‌ها: ساکنان بومی لاکونیا که قوم آخه‌ای بودند	اکروپل: مرکز قدرت اشرافیت
ارسیتوکراسی: حکومت اشرافی	مونارشی: حکومت سلطنتی
پانکوس: شورای بزرگان هیتی	دموکراسی: حکومت مردم‌سالاری
پلبین: طبقه زیردستان در روم	پاتریسین: طبقه اشراف‌زاده در روم
«صلح رومی» در دوره آگوست بود	لاتیفوندا: مالکان بزرگ و زمینهای بزرگ



[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)